

آری، پشتیبانی می کنیم...

■ حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و پی گیری خود، از موضع گیری قاطع ضد امپریالیستی امام خمینی پشتیبانی میکند
در صفحه ۲

اطلاعیه

دیپارخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
درباره تظاهرات سهشنبه

در صفحه ۷

طب ملی

طب ملی چیست؟
برای اجرای آن چه
راهی باید پیمود؟

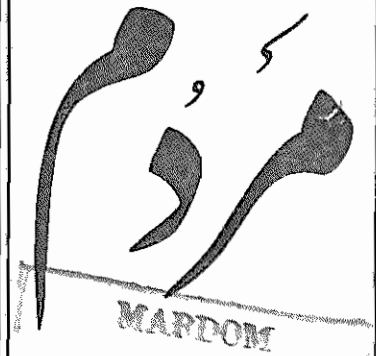
قبل از هر چیز باید مفهوم «طب ملی» را بدرستی تعریف کرد. رژیم منقور پهلوی در این زمینه هم نابسامانی و هرج و مرج و اغتشاش فکری ایجاد کرده بود و در نتیجه شومی را از خود بقیه در صفحه ۵

روزی که اتحاد نیروهای خلق

توطئه ننگین امپریالیسم
و دربار را خرد کرد

اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
بمناسبت سالگرد
سی ام تیرماه ۱۳۳۱

در صفحه ۲

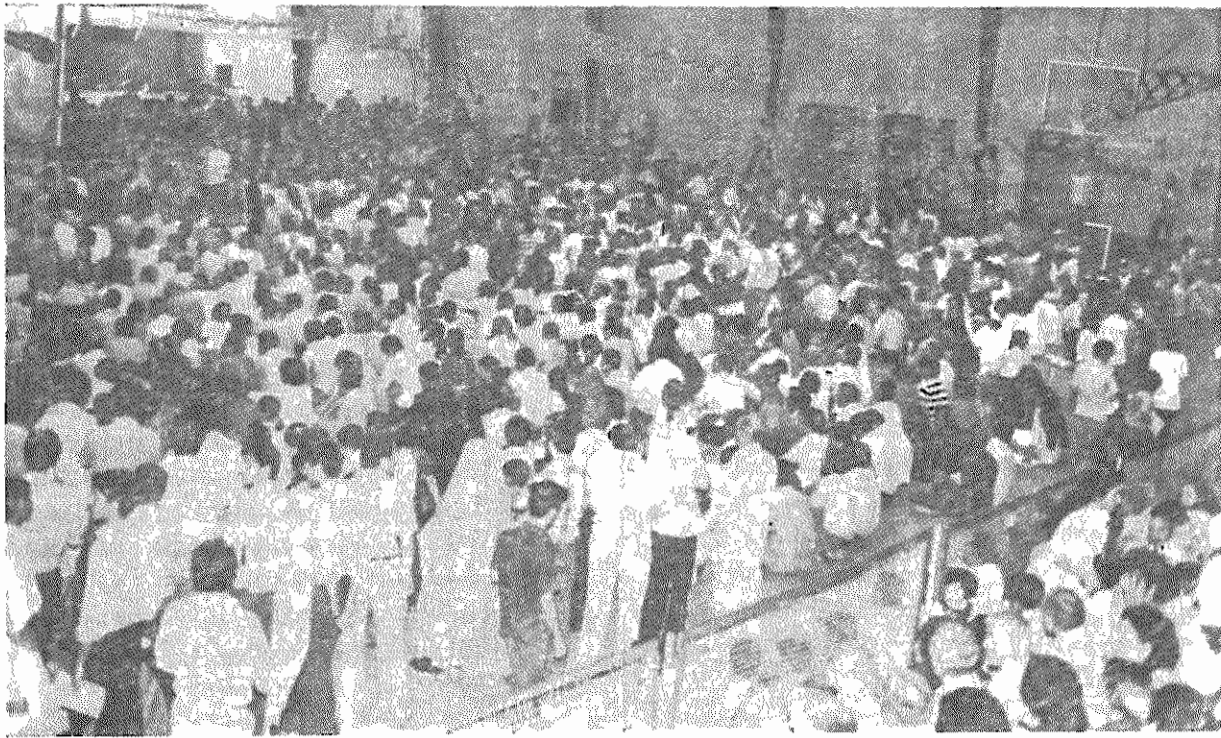


ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۰
دوشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

مراسم بزرگداشت رفیق فقید محمدرضا قدوه در دانشگاه صنعتی برگزار شد

رزمنده، نمی میرد



در صفحه ۷

گوشه ای از مراسم بزرگداشت رفیق فقید محمدرضا قدوه

با توطئه ضد انقلاب در خوزستان باید با هشیاری و قاطعیت روبرو شویم

خبرهایی که از خوزستان میرسد حاکی از وضع بغرنج و خطرناکی است که نباید آنرا دست کم گرفت، زیرا مستقیماً عواقب آن دامنگیر انقلاب ما خواهد شد. انفجار مکرر لوله های نفت بمنظور قطع صدور آن و بویژه قطع تصفیه آن در بلائیستگاه و ایجاد کمبود سوخت، ایجاد حریق با بادی که گاه بیش از شش ساعت برای اطفاء آنها وقت لازم بود، منفجر کردن پلها، برای قطع ارتباطات و ایجاد محیط ناامن و رعب انگیز، ادامه تیراندازیهای شدید و درگیریها دائمی، که حکایت از یک وضع متشنج مزمین میکند، از کار انداختن

وضع بلوچستان مایه نگرانی است

در بلوچستان ایران ضد انقلاب در کار تدارک است. فتودلها، خانها و رؤسای عشائر، عوامل سیا و اینتلجنس سرویس و ساواک و موباد، عواملی از برخی کشورهای عربی در تلاش و تکاپو هستند تا برای تورش مسلحانه، زیر عنوان «بلوچستان آزاد»، زمینه سازی کنند. موتورهای لنج، حامل اسلحه قاچاق، از عمان و بویژه از مسقط حرکت میکنند و بار خود را به قاچاقچیان شناخته ای نظیر عبدالرسول و علم مبارکی، در کرانه های ایران تحویل میدهند. کوشش میشود که این اسلحه ساخت شوروی، باشد، تا ضمناً با اصطلاح «مدرکی» هم در دست توطئه گران

لایحه جدید مطبوعات گامی است بجای ولی هنوز بازتاب کامل روح انقلاب نیست

که باشند انقلاب بزرگ ایران ناسازگار بوده، حذف یا اصلاح شده و این خود گامی است بجای، اما هنوز در این لایحه مساوی هست که نمی تواند مورد ایراد قرار نگیرد. ماکه به روش وزارت ارشاد ملی در مورد چگونگی تدوین لایحه مطبوعات معترضیم، بر حسب وظیفه ملی خود، مواد قابل ایراد «لایحه اصلاح شده» را در زیر توضیح میدهم:

■ ماده ۲۵۵۴ بند ۳ - در این بند همان ایهام پیشین در مورد کسانی که بعلت داشتن محکومیت کوفری از انتشار روزنامه و مجله ممنوع هستند، بجای خود باقی است. این محکومیت کوفری به حکم و به موجب کدام قانون تعیین شده؟ یکی دو تانیست تعداد کسانی که قوانین رژیم پهلوی آنها را بعلت معتقدات و افکار سیاسی و ضد رژیم و ضد دستگاه سلطنتی از حقوق اجتماعی محروم کرده، که با واژگون شدن اساس سلطنت، تمام آثار مترتب از قوانین آن زمان در تمام مواردی که مربوط به افکار سیاسی و آزادیخواهانه است، بطور تبیی اعتبار خود را از دست داده اند. نحوه فورمول بندی این بند و مسکوت گذاردن مواد قانونی حاکم بر موضوع، اشکالی را که پیش از این نیز بدان اشاره شده، مرتفع نمیسازد. نظیر همین اشکال بقیه در صفحه ۶

متن «لایحه پیشنهادی قانون مطبوعات» در جلساتی که نمایندگان مطبوعات و اکثر احزاب و سازمانهای مترقی در آن شرکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفت و یک بار دیگر برای نظرخواهی منتشر شد.

هنگامیکه لایحه مطبوعات از طرف وزارت ارشاد ملی انتشار یافت، روزنامه مردم نظر اصولی حزب توده ایران را در این زمینه منتشر ساخت و متذکر شد که این لایحه دارای نقائص جدی است و باشند انقلاب بزرگ ایران بطور بنیادی ناسازگار است. ما نمیدانیم عکس العمل وزارت ارشاد ملی در برابر انتقادات روزنامه مردم، و بطور کلی انتقادات مجموعه مطبوعات چگونه بوده است؟ ولی تشکیل جلسه برای بررسی این لایحه، بدون دعوت نمایندگان مطبوعات، این توهم و نگرانی را در ما و بطور کلی جامعه مطبوعات برانگیخت که امکان گرفتن یک تصمیم نادرست و زبان بخش برای بستن دست مطبوعات از طریق تصویب قانون شد. دموکراتیک منتفی نیست.

انتشار «متن اصلاح شده» لایحه مطبوعات نشان داد که نگرانی ما بیهوده نبوده است. هر چند در لایحه جدید، مواد متعددی

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

روزی که اتحاد نیروهای خلق، توطئه ننگین امپریالیسم و دربار را خرد کرد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد سی ام تیر ۱۳۳۱

و هزاران عمل ایلمسی دیگر، سعی دارد انقلاب بزرگ مردم ایران را با شکست روبرو سازد، اتحاد همه نیروها، احزاب و سازمانها و پشتیبانی آنها از موضوع گیری قاطع و پیگیر رهبری امام خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم و بازمادگان رژیم سرنگون شده شاه است.

این يك نسخه امتحان داده و قطعی است که در مرحله اول انقلاب منجر به براندازی رژیم جابر پهلوی شد و در مرحله کنونی می تواند این پیروزی را تحکیم کند.

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

● که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

● که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

● که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب

روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ نمایش عظیم و جانباخته مردم به دفاع از حکومت ملی دکتر مصدق که در سازماندهی آن حزب توده ایران سهم مهمی داشت، توطئه ننگین مشترک امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و دربار خائن پهلوی را درهم شکاند، حکومت دست نشاندۀ قوام السلطنه را به استعفا وادار ساخت و شاه را مجبور کرد باردیگر دکتر محمد مصدق، رجل میهن پرست و رهبر جنبش ملی کردن صنایع نفت را، مأمور تشکیل کابینه کند.

این روز در تاریخ مبارزات مردم ایران، روزی است بزرگ که جاودانه خواهد درخشید. از جهت ظاهر امر، سیر حوادث بدین شکل بود که شاه مخلوع، محمدرضا پهلوی، پیشنهاد بیجا و قانونی دکتر محمد مصدق را درباره واگذاری وزارت جنگ بدولت، با وقاحت ذاتی خویش رد کرد. سلسله پهلوی همیشه اصرار داشت که ارتش را مانند قرقچین خاص در دست خود نگاه دارد و آنرا وثیقه حفاظت امیازات فرعونى خاندان راهزن و اربابان امپریالیستی خویش سازد.

دکتر مصدق در قبال این گستاخی قانون شکنانه محمدرضا پهلوی، معترضانه استعفا داد شاه مخلوع این استعفایا با شتاب پذیرفت و احمد قوام، کهنه جاسوس امپریالیسم را مأمور تشکیل کابینه ساخت.

احمد قوام با اعلام «کشتیاین راسیاستی دگر آمد» مهم قدرت را در دست گرفت و با اتخاذ لحن عتاب و خطاب، در صدد مردم ساختن مردم و سرکوب جنبش برآمد.

در قبال این وضع، حزب توده ایران، جبهه ملی و دیگر نیروهای ملی دست به تظاهرات وسیعی زدند که در تاریخ کشور ما تا آندوران کم سابقه بود.

آنچه که خصیصه برجسته این تظاهر عظیم است، آنست که علیرغم تلاش های همه روزه تفرقه انگیزان حرفه ای (از قبیل مظفر بقایی، خلیل ملکسی و دیگران) توده های و مصدقی ها برای نخستین بار در کنار هم عمل کردند، همراه هم دست به مبارزه زدند، با هم خون خود را نثار راه استقلال و آزادی ایران ساختند، با هم به مظفر مندی رسیدند و با هم در این پیروزی شادی کردند.

شاه درخیم به ارتش دستور براندازی و کشتار وسیع داد تا تظاهرات خلق سرکوب شود و اراده شوم استعمار طلبیان آمریکا و انگلیس و دربار فائق گردد. شایان یادآوری است که این

جریان پس از انجام بست و بند بین شرکت های آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی نفت انجام گرفت و زمانی بود که امپریالیسم آمریکا، که تا مدتی مزورانه از تضادها برای تسلط بر نفت ایران استفاده میکرد، تماماً در موضع سرنگون ساختن حکومت ملی دکتر مصدق قرار گرفت.

نکته قابل توجه در جریان سی ام تیر، صرف نظر از اتحاد بی نظیر توده ها، بروز تزلزل در ارتش بود. برخی از افسران ارتش بر صحت دستور دربار برای کشتار مردم تردید کردند و از تیراندازی خودداری ورزیدند. با اینحال، گرفت، جمع کثیری از نمایش دهندگان توده ای و مصدقی و دیگر افراد میهن پرست در خون خود غلطیدند.

تعیین تعداد این شهیدان دشوار است و تنها نام و نشان جمعی از آنها روشن شده. هم چنین تعداد بزرگی از اعضای حزب توده ایران و جبهه ملی و دیگر نیروهای میهن پرست در این حادثه زخمی و مشروب شدند.

نمایش عظیم و متحد سی ام تیر اثرات خویش را بخشید. حکومت قوام مجبور به استعفا شد. توطئه با شکست روبرو گردید. اتحاد خلق به پیروزی رسید. مصدق باردیگر در میان شادی و خرسندی عمومی قدرت را بدست گرفت.

اهمیت تاریخی این حادثه در آن است که امروز نیز درس بزرگ سی ام تیر فعلیت و حاد بودن خود را کماکان حفظ کرده است. اکنون ضد انقلاب به رهبری امپریالیسم امریکایا کرسرنگون شده اش شاه مخلوع و به اتکاععمال رنگارنگ راست و چپ نما در صدد هستند انقلاب ایران به رهبری امام خمینی را عقیم سازند. آنچه که امروز مطرح است، از جهت برد و بعد تاریخش، به مراتب از آنچه روزی سی ام تیر ۱۳۳۱ مطرح بود، بزرگتر است. انقلاب ایران یکی از رویدادهای شگرف تاریخ معاصر بشری است. و پیروزی یا عدم پیروزی آن دارای دامنه بین المللی است.

تنها و تنها راه شکست قطعی و نهایی ضد انقلاب، که دمبدم پر خاشجوت می شود و در گستره های مختلف سیاسی، اقتصادی، اداری، و فرهنگی سنگر بندی و موضع یابی می کنند و با دست زدن به آدم کشی، خرابکاری، آتش سوزی، ترکاندن لوله های نفت، تحریک موزیانه احساسات ملی، تشویق کج و معزها، ایجاد روحیه هراس و تردید، تقنین بین نیروها، ایجاد آشفتگی اقتصادی در تولید و توزیع

آری، پشتیبانی میکنیم...

پس از اینکه مسدتی از «چپ» و راست نسبت «فرصت طلبی» به حزب ما داده شد و در عمل این اتهام، در برابر استواری حزب در موضع گیری اصولی ضد امپریالیستی، رنگ باخت، و پس از اینکه بدنبال اتهام «فرصت طلبی»، طعنه «دنباله روی» به حزب ما زده شد و در عمل معلوم گردید که این طعنه نیز آلوده به غرض ضدیت با حزب است و در نتیجه در بین مردم بی اثر شد، اینک در این اواخر «دلسوزی» بحال حزب ما آغاز شده است!

افرادی که غالباً با حزب ما اساساً مخالفند، ناگهان برای حزب ما «دلسوز» شده اند. با چهره ای «متأثر» سر میجنانند و میگویند: شما، نمیگوییم، دنباله روی میکنید، ولی در پشتیبانی از امام «زیاده روی» میکنید! برای رعایت انصاف باید افزود که این «دلسوزی» به برخی دوستان حزب نیز سرایت کرده است و به همین دلیل لازم دانستیم سخنی چند در این باره بیان داریم. یعنی روی سخن ما بیشتر با این دوستان است تا با آن مخالفان، زیرا دوستان را در بی غرضند و در اشتباه و مخالفان از موضع مخالفت هر روز شیوه ای بکار میبندند.

آری، ما از امام پشتیبانی میکنیم، از مشی قاطع و آشتی ناپذیر امام در مبارزه بر ضد امپریالیسم و بر ضد امپریالیسم امریکایا خصوصاً پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه لزوم مبارزه قاطع با بازمانده نفوذ امپریالیسم در ایران پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه ضرورت ریشه کن کردن ضد انقلاب پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه مخالفت با هر نوع اختناق، در زمینه ضرورت رعایت اصول انسانیت و عدالت و آزادیها پشتیبانی میکنیم.

مشی اصولی و سیاست بنیادی حزب در این زمینه های مهم، بویژه در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی، با نظریات قاطع و پیگیر امام انطباق دارد و بنابراین ما از امام که پشتیبانی میکنیم از سیاست خودمان دفاع کرده ایم، و وقتی راه خود را پیگیری کنیم، از امام پشتیبانی کرده ایم.

اگر منظور از «زیاده روی» اینست که ما در مطبوعات خود پیوسته بر لزوم کشودن آتش تویخانه سنگین انقلاب بر ضد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکایا، که دشمن اصلی و آشتی ناپذیر خلق ماست، تکیه میکنیم، ما این «زیاده روی» را ادامه خواهیم داد، زیرا ما وظیفه خود میدانیم که بقدر توان خود، قدرت رزمنده توده ها را برای ریشه کن ساختن نفوذ این دشمن اصلی در تمام عرصه های زندگی در ایران بسیج کنیم. اگر منظور از «زیاده روی» اینست که ما بر گفته های امام در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی، در زمینه دفاع از انقلاب ایران، در زمینه حمایت از زحمتکشان تکیه میکنیم، ما باین «زیاده روی» نیز ادامه خواهیم داد، زیرا امام رهبر انقلاب ایران است، سخنان ایشان در میان توده ها نافذ است و بنابراین تکرار و تکیه بر این سخنان، با زهم کمکی است بهمان بسیج توده ها برای مبارزه قاطع و پیگیر بر ضد امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم امریکایا، برای مبارزه در راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب.

بعلاوه باید افزود که ما، بین مذهبی و غیر مذهبی مرز نمیکشیم، ما بین انقلابی و ضد انقلابی مرز نمیکشیم و بنابراین طبعاً ما در همان جبهه ای قرار میگیریم که مذهبی ها و غیر مذهبی های انقلابی، ضد امپریالیست، استقلال طلب، آزادیخواه و مترقی قرار دارند و طبعاً در برابر آن غیر مذهبی ها و نیز مذهبی های ضد انقلابی و مرتجعیتی قرار میگیریم، که بگفته امام «بدتر از ساواکی اند».

پس ما همانطور که فرصت طلب نبوده ایم و دنباله رو هم نبوده ایم، زیاده روی هم نمیکنیم. تنها کاری که میکنیم با فشاری در جهت اتحاد عمل بر ضد امپریالیسم، برای رهائی ایران از اسارت و ظلم، برای تأمین آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم است. اینرا دوستان حزب ما باید بدانند. مخالفان خود دانند، آنها هر چه دل تنگشان میخواهد بگویند. ما به مشی اصولی خود، بی وقفه و بدون انحراف، ادامه خواهیم داد.

هشیاری نشان دهیم. ■ که مشی انقلابی و خلقی رهبری انقلاب ایران را در همه تحلیلات مردمی آن مورد پشتیبانی قرار دهیم. ما از حوادث دیر روز نه تنها به خاطر عظمت آن، بلکه به خاطر امروز و فردای میهنمان یاد میکنیم، نه تنها خاطر شهیدان سی ام تیر و یاد دکتر محمد مصدق رئیس دولت ملی کشورمان را تجلیل می کنیم، بلکه از همه جانبازان طریق پر افتخار استقلال و دمکراسی درس می آموزیم و می کوشیم بیرون راه آنها باشیم.

جاوید باد خاطر قهرمانان خلق در دفاع از استقلال و آزادی!

تا بود باد امپریالیسم و ارتجاع توطئه گر!

پیروز باد انقلاب بزرگ خلق ما!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۴ تیرماه ۱۳۵۸

بقیه از صفحه ۱

باتوطئه ضد انقلاب در خوزستان...

عرب و خود مختاری یا دفاع از تمامیت ارضی و حفظ نیا خاک است، نخواهند افتاد و خواهند دانست که هر عمل پر سر و صدائی، نظیر انفجار پل و آتش زدن لوله های نفت و تیراندازی مداوم و اعلامیه های خشن و اتهامات ناروشن، هرگز يك عمل انقلابی نیست، هر چند که گاه با چپ روترین و انقلابی نما ترین عبارت پردازی همراه باشد.

مردم ایران بحق نگران اوضاع متشنج خوزستان هستند. در این منطقه از خواستهای حقه مردم در زمینه زندگی روزانه و حقوق ملی، که بدون تردید خواستهای درستی است و باید بر آورده شود، بوضوح و با گستاخی سوء استفاده میشود. عناصر بناواکی و بقایای رژیم مخلوع بشدت مشغول کارند و گروهها و دسته ها، اقوام و ملیت ها را بجان یک دیگر میاندازند. آب را گل آلود میکنند و منتظر ماهی نشسته اند. قلاب آنها خطی ناک است و تاکنون تعداد قربانیان نقشه های آنان و توطئه های خونینی که چیده اند، کم نبوده است.

رادو لندن، که تفسیرش را روزنامه کیهان چاپ کرده، علناً اظهار خوشحالی میکند که بر خورد های مسلحانه شدیدی در خرمشهر روی داده و از اینکه طی تظاهرات اخیر بر چهره های سیاه حمل و برکناری در یاد آمدنی، اسنادار خوزستان خواسته میشده و گروهی بنام «چهارشنبه سیاه» مسئولیت حملات اخیر را بعهده گرفته به شرف

بقیه در صفحه ۷

بمركز نیروی دریائی و اداره بندر در خرمشهر، حمله به ساختمان شهر بانی وانبارها و حمله و تیر - اندازی به نگهبانان از داخل پیکان و دهها و دهها واقعه روزانه دیگر، گوشه ای از این وضع یفرنج و خطر ناک را نشان میدهد.

ما همواره گفته ایم، بارها هشدار داده ایم که ضد انقلاب خواب نیست. بیکار نشسته است مشغول توطئه است. میخواهد انقلاب ما و دستاوردهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک آنرا از بین ببرد. ساده لوحی است اگر تصور کنیم که ضد انقلاب بیون خواهند آمد و خواهند گفت که، ماضی انقلابی هستیم، خواستار بازگشت رژیم سابق یا چیزی شبیه آن، خواستار بازگشت امپریالیست ها و سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی آنها هستیم. چنین ضد انقلابی صدیقی (۱) هرگز پیدا نخواهد شد. ضد انقلاب بلباسهای عوام فریب در می آید، قیافه مدافع است و تاکنون تعداد قربانیان نقشه های آنان و توطئه های خونینی که چیده اند، کم نبوده است.

دشواری کار تنها در مقابله با فعالیت های آشکار نظامی و خرابکاری های اقتصادی ضد انقلاب نیست، در این هم هست که باید چهره ضد انقلاب را در پشت نقابی که بخود بسته تشخیص داد. اگر این کار انجام شود، مردم خوزستان کلیه هموطنان ما، اعم از عرب، فارس، بدم توطئه ها و نقشه هایی که در عمل ضد انقلابی است، ولی در ظاهر بخاطر دفاع از حق خلق

بقیه از صفحه ۱

وضع بلوچستان مایه نگرانی است

بلوچستان ناراضی کرده و طراحان امریکائی ضد انقلاب، همراه با عوامل ایرانی، خود از این ناراضائی مردم کمال رضایت را دارند.

باید امنیت را از مردم سلب کرد. به همین دلیل کشتن این یا آن نگهبان، خلع سلاح فلان پاسکاه، غارت اموال این و آن، تجاوز مسلحانه با انواع و اشکال، رایج و متداول شده است. ضمناً تبلیغات علیه انقلاب، که گویا ناامنی بارمغان آورده، رواج دارد و تبلیغات دامنه داری نیز بر ضد رهبر انقلاب انجام میگیرد.

همه این دسائس مردم را در ضد انقلاب و هواداران بلوچستان آزاده جریان دارد. با لیزبان کوشاست که توسط سر لشکران بازنشسته و آزاد در تهران با سران عشایر تماس بگیرد. نقشه های راکه «سیاه» برای «بلوچستان آزاد» طرح کرده، منطقه بزرگی از غرب تا بندر عباس و از شمال تا کرمان و سیستان را در بر میگیرد. برای تدارک زیاده کردن طرح شورش مسلحانه، ابتدا

از وقوع باید کرد؟ ما هشدار میدهم که تا دیر نشده باید عوامل ضد انقلاب را در بلوچستان افشاء کرد و توطئه های آنها را عقیم گذاشت. و برای نیل به این هدف، قبل از هر چیز باید به خلق بلوچستان تکیه کرد و خواستهای عادلانه آنرا بر آورده ساخت. تکیه به خلق برای سرکوب ضد انقلاب، چنین است تنه اراهی که در برابر يك دولت انقلابی قرار داد.

آینده در بلوچستان خواهیم متأسفانه در بلوچستان همه عوامل برای تحقق این پیشگویی دارد فراهم میشود. گفته های آقای طباطبائی نشان میدهد که دولت نیز از وضع بلوچستان بی اطلاع نیست، ولی چنانکه پیداست، دست با اقدامات جدی برای جلوگیری از وقوع تحریکات نمیزند. ولی مگر نه اینست که علاج واقعه قبل

شرایط کار کارگران کارخانه قند ارومیه

اعتصاب چهارساعته

کارگران شرکت زمینس، روز شنبه ۵۸/۴/۲، بعلت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان بمدت ۴ ساعت دست از کار کشیدند. آنها با میانجیگری نماینده کارگران و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی پس کار خود بازگشتند و قرارداد که روز بعد در وزارت کار با حضور نمایندگان کارفرما و نمایندگان شورای کارگران بخواسته‌هایشان رسیدگی شود. متأسفانه در این جلسه هیچگونه نتیجه‌ای گرفته نشد. فقط تصمیم گرفته شد که طی چند روز آینده با زمینس آلمان تماس و نتیجه مذاکره اعلام شود.

کارخانه قند ارومیه سالانه ۴ الی ۵ ماهه کار میکند. این مدت بستگی به میزان کشت چغندر در منطقه ارومیه دارد و آن نیز بنوبه خود بستگی به قیمتی دارد که کارخانه برای هر تن چغندر میپردازد. کارگران این کارخانه روستائیان اطراف کارخانه هستند که تابستان بکار کشاورزی میپردازند و زمستان در این کارخانه کار میکنند. کارگران این کارخانه در دو شیفت ۱۲ ساعته کار میکنند که البته نسبت به ۴ ساعت آن اضافه حقوق میگیرند. جمع حقوق و اضافه حقوق حدود ۵۰ تومان و در بعضی قسمتها تا ۶۰ تومان میرسد. پس از پایان کار، کارخانه آنها را اخراج میکند و فقط دستمزدشان را میپردازد. سال بعد که اغلب همان کارگران مجدداً برای کار برمیگردند، تنها از حق تقدم در اشتغال بکار برخوردارند و اگر نه سابقه کاری که در کارخانه دارند، هیچ تأثیری در حقوق آنها ندارد. اما کارخانه در برخی از سالها تابستانها نیز، با تغذیه از شکر تولید شده، مدتی کار میکند. مثلاً همین روزها قسمت تبدیل شکر به قند دایر است و پیش از ۱۲۰ کارگر در دو شیفت ۱۲ ساعته در آن کار میکنند.

عده‌ای از کارگران که در انبار شکر کار میکنند، کارشان طاعت فرساست. آنها باید روزانه تعداد معینی عدل شکر، از طریق نواری (تسمه) که بین انبار و قسمت تولید میچرخد، به قسمت تولید منتقل نمایند. آنها معمولاً این کار را با سرعت بیشتری انجام میدهند، مثلاً در ۸ ساعت، و بعد به خانه‌های خود میروند. بقیه کارگران که در قسمت تولید (تبدیل شکر به قند) کار میکنند، بقول یکی از کارگران، حتی لحظه‌ای هم نمیتوانند محل کار را ترک کنند. کارگران قسمت انبار روزانه ۶۰ تومان و کارگران قسمت تولید روزانه ۵۴ تومان حقوق میگیرند. (این مبلغ شامل اضافه حقوق نیز هست)

کارگران قسمت تولید نسبت به حقوق خود، با مراجعه به مسئولین کارخانه، اعتراض کرده‌اند، اما هنوز ترتیب اثری به اعتراض آنها داده نشده است. در ضمن کارگران این کارخانه در برابر خطراتی که در محل کار سلامتیشان را تهدید میکند، هیچ تضمینی ندارند. مثلاً همین چند روز پیش، در قسمت انبار، عدل شکر از ارتفاع زیاد بر روی یکی از کارگران افتاد و باعث شکستگی دو دنده سینه او گردیده است. پرداخت هزینه‌های معالجه و فراموشی ظاهراً بستگی به «زرنکی» خود کارگر دارد که بتواند چیزی از کارخانه بگیرد یا نه. این کارگر، از روزی که دنده‌هایش شکسته و از کار بازمانده، اخراجی محسوب میشود و حقوقی به او تعلق نمیگیرد.

کارگران بیکار شرکت اسفالت در طلب کار

صد تن از کارگران شرکت اسفالت سازی فروش (شیراز) که از کار بیکار شده‌اند، برای رسیدگی به وضع خود به اداره کار مراجعه کرده‌اند. شهرداری شیراز بخاطر شرکت در دزدیهای زمان رژیم پهلوی، از ارجاع کار به این شرکت امتناع میکند. کارفرما مدتی فراری بود، ولی دوباره سر و کله‌اش پیدا شده است.

دستاوردهای کارگران شرکت آردول

کارگران شرکت آردول روز ۲ تیر ماه دست به اعتصاب زدند و پس از تحقق خواسته‌شان، که اضافه دستمزد بود، بیکار بازگشتند. شرکت آردول، یک شرکت ساختمانی و راهسازی است، که در حدود ۱۰۰ تا ۱۴۰ کارگر در آن بکار مشغولند.

کارگران پیمانانی شرکت پان آمریکا اخراج شده‌اند

گفته میشود که حدود ۶۰۰ نفر از کارگران پیمانانی شرکت پان آمریکا، که در خارک کار استخراج نفت را به عهده داشته‌اند و طرف قرارداد شرکت نفت بوده، اخراج گردیده‌اند. همین عده معمولاً یک هفته کار میکنند و سپس یک هفته نزد خانواده‌هایشان می‌رفته‌اند. با شروع اعتصاب نفتگران، این کارگران نیز دست از کار میکشند و به همین خاطر کارفرما به تدریج شروع به اخراج این کارگران پیمانانی می‌نماید. این عمل ادامه یافته و تا امروز ۶۰۰ نفر اخراج شده‌اند. با اینکه کارگران نامه اعتراضیه هم نوشته‌اند و تماسهایی با هیئت دولت نیز داشته‌اند، اما تا کنون جواب مثبتی برای بازگشت بکار نگرفته‌اند.

پیروزی کارکنان لاپراتوار کدک در اخراج سه آمریکائی

کارکنان لاپراتوار دوربین کدک، که برای اخراج سه آمریکائی سهامدار این شرکت دست به اعتصاب زده بودند، پس از آنکه موفق با اخراج آنها شدند با موفقیت بس کار خود بازگشتند.

کارآموزان سازمان انرژی اتمی هنوز بلا تکلیفند

کارآموزان سازمان انرژی اتمی ایران، پس از مراجعات مکرر به مقامات مسئول برای روشن شدن وضع خود، در حال حاضر به نتایج زیرین رسیده‌اند. عده‌ای از کارآموزان را در وزارت نیرو استخدام خواهند کرد و عده‌ای دیگر با باز خرید سوابقشان از سازمان کفار گذارده میشوند. کارآموزان در حال حاضر بیکار هستند و تا روشن شدن وضعشان حقوقشان به ترتیب زیر تعیین یافته است: پایه حقوق کارآموزان، که ۲ هزار تومان بود، به ۱۵۰۰ تومان کاهش پذیرفته و در عوض ۷۰۰ تومان بعنوان اضافه دستمزد بآنها پرداخت میشود، و اگر در شهرتانشان استخدام شوند، میزان حقوق پایه با اضافه حق مسکن و بدهی آب و هوا را دریافت خواهند داشت. عده‌ای از کارآموزان به کاهش پایه حقوق و ادامه بلا تکلیفی خود معترض‌اند.

گزارشی از شرکت جنرال مکانیک - شیراز

۵۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت ساختمانی جنرال مکانیک، که قبل از انقلاب کارهای ساختمان سازی صنایع الکترونیک را به عهده داشته‌اند، بعد از چند ماه بیکاری و دوندگی موفق شدند نماینده کارفرما - آقای بهمانی - را مجبور کنند که قسمتی از خواسته‌های حق آنها را پرداخت نماید. این خواسته‌ها عبارتند از: ۱- پرداخت حاصل ضرب ۱۲ روز از حقوق ماهیانه در تعداد ماههای کارکرد کارگران. البته در مورد کارگرانی که این حاصل ضرب به ۴۰ روز حقوق نرسد، معادل ۴۰ روز و برای کارگرانی با سابقه بیشتر، با زاء هر ماه ۵ روز حقوق مازاد بر مبلغ فوق پرداخت میگردد. ۲- شرکت موظف است که چنانچه دوباره شروع بکار کند، نماینده کارگران را مأمور استخدام کارگر نماید. این توافق نامه در اداره کار شیراز بون. نمایندگان کارگران، اداره کار کارفرما بعمل آمد. نکته جالب توجه اینکه برای توافق در هر مورد، نماینده کارگران از جلسه خارج میشد و موضوع را برای کارگران مطرح میکرد و در صورت توافق دسته جمعی، پیشنهاد مطرحه در جلسه را میپذیرفت.

اخبار کارگری

کارگران فصلی دخانیات بلا تکلیفند

در کارخانه ارومیه هر سال حدود ۱۲۰۰ کارگر فصلی مشغول بکار میشوند، که بیش از نصف آنان زن هستند. این کارخانه در سال ۸ الی ۹ ماه کار میکند و پس از سپری شدن این مدت، کارگران از کارخانه اخراج میشوند و ۳ الی ۴ ماه در سال بیکارند. اما این کارگران تنها محل امرار معاششان کار در کارخانه دخانیات است و تحمل سه چهارم ماه بیکاری در سال برای آنها مشکل است. حدود یکماه پیش کارگران این کارخانه با تقاضای رسمی شدن اعتصاب کرده بودند، اما بدون رسیدن به نتیجه قطعی اعتصاب خود را قطع کرده‌اند و تکلیفشان در این مورد از طرف مسئولین دخانیات روشن نشده است.

مرغداری جم و وضع اسف بار کارگران

کارگاه مرغداری جم، در جاده شاهدشت کرج، پائینتر از دامداری پدم قرار گرفته است. این کارگاه دارای ۳۶ سالن نگهداری و پرورش مرغ است بین ۹۰ تا ۱۱۰ کارگر در این مرغداری بکار مشغولند، که در میان آنها عده‌ای نیز افغانی و چندی تائی هم از ملیتهای دیگر، نظیر هندی و پاکستانی بکار اشتغال دارند. در هر کدام از سالنهای مرغداری، چهار دستگاه تهویه نصب شده است که بقول کارگران، کارفرما بجهت صرفه جویی فقط یکی از آنها را بکار میاندازد و به همین دلیل هوای داخل سالنها بسیار متعفن و تحمل ناپذیر است و سلامتی کارگران را بشدت تهدید می کند. کارگران با مراجعه مکرر به نماینده کارفرما، متأسفانه موفق نشدند او را متقاعد کنند که سه دستگاه دیگر را بکاراندازد و هر بار که با شکوه و شکایت زیاد، درخواست بکار انداختن تهویه ها را کرده‌اند، با توپ و تشر و تهدید آقای جوادزاده مواجه شده‌اند که: «میخواهید کار بکنید، میخواهید کار نکنید!»

اکثر کارگران این کارگاه بیمه نیستند. کارگرانی هستند که با ۱۳ سال سابقه هنوز نتوانسته‌اند از مزایای بیمه استفاده کنند و کارفرما همیشه برای بیمه کردن کارگران و ارسال لیست دقیق کارگاه طفره رفته و به بهانه‌های مختلف و تهدید، به اخراج کارگران، شانه از زیر این حق مسلم و قانونی آنها خالی کرده است.

کارگران این کارگاه چندین بار به شعبه بیمه‌های اجتماعی کرج برای رسیدگی به حقوق حقه خود مراجعه کرده‌اند و درخواست اعزام بازرس نموده‌اند. ولی متأسفانه از ورود بازرسان به محوطه کارگاه جلوگیری شده است. حدود ۱۵ نفر از کارگران در قسمت آسیاب، که تهیه مرغها را تأمین می کند، کار می کنند. آنها از محیط غیر بهداشتی و طاقت فرسای کارشان شکوه زیادی دارند، ولی هیچ اقدامی در جهت بهبود بهداشت محیط کار صورت نگرفته و هر بار که کارگران از هوای بد و متعفن کارگاه شکوه کرده‌اند، متأسفانه بای تفاوتی کارفرما و نماینده اش مواجه شده‌اند.

در مورد درخواست اضافه دستمزد و سامان دادن به وضع بیمه کارگران، همیشه یک گوش کارفرما در و دیگری دروازه بوده است. کارگران حدود ۱۲ ساعت در کارگاه هستند که از این ۱۲ ساعت، ۲ ساعت وقت ناهار آنهاست و ۱۰ ساعت دیگر را بکار مشغولند. آنها در برابر این کار، دستمزد روزانه ناچیزی که بین ۴۰۰ تا ۷۵۰ ریال است، دریافت می کنند، البته عده کمی از کارگران پرسابقه و یافنی هستند که در حدود ۱۰۰۰ ریال مزد دریافت می کنند. در میان این عده، بیش از ۷۰ درصد آنها همان نازلترین رقم دستمزد را دریافت می کنند.

کارگران شرکت زمینه شیراز حقوق عقب افتاده خود را میخواهند.

۷۰۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی زمینه، مسئول ساختمان طرح گسترش پتروشیمی فارس، بخاطر دریافت حقوق عقب افتاده به اداره کار مراجعه کردند. کارفرمای شرکت حاضر به پرداخت حقوق کارگران نیست. کارگران برای دریافت این مبلغ ناچیز تاکنون بدفعات به محل شرکت، که در ۵ کیلومتری شیراز است، مراجعه کرده‌اند که هر بار با دست خالی بازگشته‌اند. کارگران میگویند تاکنون بیشتر از مبلغ مورد مطالبه خود پول کرایه پرداخته‌اند. آثار فقر و گرسنگی در چهره کارگران نمایان است و اکثراً هیچگونه محل درآمدی ندارند. اداره کار به آنها قول داده است که طلب آنها را از صنایع پتروشیمی بگیرد و پتروشیمی از بابت مطالبات شرکت زمینه، این پول را کسر نماید.

کارگران این شرکت همچنین خواستار کمک اداره کار یا شرکت زمینه به بیکارانند. کارگران میگویند که بعضی نورچشمی‌ها، که در تهران زندگی میکنند، هر ماه هنگام پرداخت حقوق به شرکت مراجعه و حقوق خود را دریافت میکنند. کارگران از کارفرما، که او را از وابستگی رژیم گذشته میدانند، منتظرند و مایلند که او محاکمه شود. آنها میگویند یک سرمایه دار ۷۰۰ کارگر را شش ماه است که سرگردان کرده است.

دستاوردهای کارگران ژیان در پرتو انقلاب

کارگران کارخانجات سیتروئن (ژیان) پس از سالها خفقان و محرومیت و پس از سالها تلاش بیگانه توانستند سندیکی فرمایشی تحصیل شده به خویش را منحل سازند. این سندیکا، که تمام اقدامات آن علناً ضد کارگری بود، عامل برجسته و مهم اخراج کارگران ناراضی کارخانه و سرکوب اعتصابات بحق کارگران در طول سالهای مدید بوده است. سندیکی فرمایشی، که جهت عمده حرکت آنرا ساواک و اداره حفاظت کارخانه معین میکرد، توانسته بود با ایجاد محیطی دوستکی مصنوعی در کارخانه، خود از آب گل آلود ماهی بگیرد. نماینده کارگران با برنامه‌ای حساب شده بعضی امتیازات، هر چند جزئی به گروهی قلیل میپرداخت، که این خود باعث تفرقه و حس بدبینی کارگران نسبت بهم میشد و همچنین به مسئله ملی دامن میزد. ولی کارگران آگاهی بودند که همواره سعی در خنثی نمودن این توطئه‌ها میکردند.

کارکنان این کارخانه بدرستی از دستاوردهای انقلاب استفاده کرده و در نتیجه تمام عوامل وابسته و سرسپرده و ضد کارگری را از کارخانه اخراج نموده و ساعات کار را به چهار ساعت کار در هفته کاهش داده‌اند. آنها شورای کارخانه را باسی نفر عضو تشکیل داده‌اند، که هر کدام از اعضاء، از قسمتهای مختلف کارخانه، مانند پرس، صافکاری، نقاشی، صندلی سازی، خط مونتاژ و غیره انتخاب شده‌اند و نه نفر از آنها عضو هیئت اجرایی‌اند که بزودی نماینده کارگران را انتخاب میکنند.

به خواسته‌های کارگران مرغداری شهرستان کرج رسیدگی کنید

در محدوده شهرستان کرج، ۳۰۰ تا ۳۵۰ کارگاه مرغداری و دامداری وجود دارد که بنا بر قدرت تولید و توزیع کارگاهها و کوچک و بزرگی آنها، هر کدام بین ۱۸ تا ۳۵۰ کارگر در آنها بکار مشغولند. وضع کارگران شاغل در این کارگاهها از هر نظر اسف انگیز است. کارگران اکثراً از مزایای تصویب شده و قانونی بیمه‌های اجتماعی استفاده نمیکنند و کارفرمایان بنا بر این مختلف از بیمه شدن کارگران جلوگیری بعمل می‌آورند.

با توجه به ماده ۵ قانون بیمه‌های اجتماعی، کارگران دامپرورها و مرغدارهای شهرستان کرج، از اول مهرماه ۱۳۴۸، مشمول مقررات کامل بیمه‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و میبایستی از کلیه مزایای قانونی بیمه‌های اجتماعی بهره‌مند شوند. ولی با کمال تأسف، با اعمال نفوذ غیر قانونی کارفرمایان و بعلت وابستگی آنها به رژیم گذشته، هنوز هم در راه بهبود وضع کارگران این دسته از کارگاهها قدمی اصولی برداشته نشده است و همچنان حقوق کارگران در این محدوده پایمال میشود. ناگفته نماند که چندین بار سازمان بیمه‌های اجتماعی به پرونده این کارگاهها رسیدگی و بدهی معوقه این دسته از کارفرمایان را اعلام نموده است. ولی هر بار کارفرمایان، با نفوذ غیر قانونی خود، سازمان بیمه‌های اجتماعی را بظاهر محکوم کرده و تلاش قانونی نماینده بیمه‌های اجتماعی را ناکام گذاشته و همچنان به سوء استفاده‌های کلان و بهره‌کشی مدام خود ادامه داده‌اند.

چه کسانی خرمنا را آتش میزنند؟

اخبار دهقانی

کوشه‌ای از زندگی زحمتکشان سرولستان

حسن همجواری را تحکیم بخشیم

ضد انقلاب از هیچ وسیله‌ای غافل نشده است. در شمار اعمال تبهکارانه‌ای که در دوران اخیر بدان توسل جسته است، آتش زدن خرمنا است. با این اقدام جنایت کارانه هم کشور را دچار قحطی، هم دهقانان را ناراضی و هم نامنی را تشدید می‌کند، اما ضد انقلاب

هدف دیگری را هم تعقیب میکند. او این جنایت را اینجا و آنجا بنام «توده‌ایها» انجام داده تا دهقانان را نسبت به حزب ما بی‌باور سازد.

طبق یک خبر موثق، ساعت ۱۰ شب ۱۳/۴/۱۳۵۸، اتومبیل پیکانی کنار مزرعه‌ای در «قهوه

نمونه‌ای از زندگی زنان دهقان

ده هزار رود یا طارم علیا، در حدود ۱۵۰ - ۱۲۰ کیلومتری شمال زنجان قرار دارد. اهالی این ده نیمه‌ساکن هستند و تابستان را به علت گرمای شدید ده و برای چرانیدن گله‌های خود به کوشه‌ها می‌روند. برای تأمین زندگی خود، تمام افراد خانواده از کوچک و بزرگ باید کار کنند. محصول عمده کشاورزی آنها، برنج و میوه (انار و زیتون) است.

در این ده از حجام، حتی بصورت خزینه‌ای آن هم خبری نیست. آب در ده حتی برای آشامیدن هم وجود ندارد. زنان ده مجبورند هر روز دیک بر سر راه درازی را تا رودخانه پیمایند تا آب روزانه خود را تأمین کنند. از بهداری و برق هم خبری نیست.

در این ده تمام کارها یا مسئولیت اصلی کارها بر دوش زنان است. زنان از کارهای خانه گرفته تا کشاورزی و گله‌داری را انجام می‌دهند و علاوه بر زجر کار و زحمت، در خانه نیز باید از مردان حساب ببرند و تابع اجرای دستورات آنها باشند.

از آنجا که کشاورزی و گله‌داری به تنهایی نمی‌تواند زندگی اکثریت آنها را تأمین کند، زنان به گلیم بافی نیز مشغولند. کار گلیم بافی همیشه بر عهده دختران جوان و دختر-بچه‌ها است. یک گلیم ۲۳ متر، با کار مداوم از صبح تا شب ۳ نفر - ۲۰ روز طول می‌کشد و سپس آنرا بقیمت ۲۰۰ تومن به واسطه‌های شهری می‌فروشند. این واسطه‌ها گلیم را بقیمت خیلی گرانتر در شهر بفروش می‌رسانند.

در یک خانواده این‌ده، برای تأمین زندگی خانواده، ۳ دختر جوان از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب گلیم می‌بافند. یکی از آنها بکلی بینائی خود را از دست داده و دیگران نیز چشمشان برای کار زیاد ضعیف شده است.

در این ده درس خواندن برای دختران و زنان معنی ندارد، آنها می‌گویند: ما درس برای چه یاد بگیریم، آیا ظرف شستن یا شیر دوشیدن به سواد احتیاج دارد؟! دختران را از دوسالگی تا ۱۶ سالگی حتما باید نامزد کنند. این از رسوم ده است و آنها باید پدیده طلاق آشنائی ندارند و کسی که ازدواج می‌کند، باید با هر گونه سختی بسازد.

دهقانان مجید آباد مالک سابق را فراری دادند

از ده مجید آباد، در نزدیکی شهرستان اهر، خبر میرسد که یکی از نفوذ اهلای قبلی بنام سلطانی، که باغات و مراتع و زمینهای زیر کشت مرغوب را طبق قوانین رژیم سابق تصاحب کرده بود و هر ساله، علیرغم به افلاس کشیدن مردم زحمتکش ده، سرمایه هنگفتی به جیب میزد، اسامیل نیز طبق روال قبلی ارباب ورعیتی، با ایادی خود به ده مسافرت میکند تا دوباره دهقانان را مورد استثمار قرار دهد. ولی دهقانان، که بحق مسلم خود آشنا شده‌اند، زیر بار نمی‌روند.

ارباب سابق در مقابل صف متحد مردم مستمیده قرار نمی‌گیرد. نفوذ اول خوش برخوردی نشان میدهد، سپس از مذهب سخن می‌گوید و در آخر از پاسکاه صحبت پیمان می‌آورد، که دهقانان حرف آخرشان را می‌زنند، «ما تصمیم گرفته‌ایم زمین خودمان را خودمان بکاریم و تا جان داریم از خواست حقه‌مان دفاع خواهیم کرد». و سلطانی از ترس گرفتار شدن بدست دهقانان یا بفرار می‌گذازد.

راه دهقانان همین است، اتحاد و مبارزه، دفاع از حق مسلم خویش بداشتن زمین.

بیانیه زیرین را «جمعیت ایرانی هواداران صلح» برای دفتر «مردم» ارسال داشته است

بیانیه جمعیت ایرانی هواداران صلح

جمعیت ایرانی هواداران صلح خوشوقتست که درس آغاز دوره جدید فعالیت خود، پیروزی بزرگی را که در انقلاب کبیر ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بدست آمده، به ملت ایران تبریک بگوید.

مبارزه انقلابی ملت پر افتخار ما، مبارزه‌ای است در راه صلح و دموکراسی و استقلال ملی، و در همین مدت کوتاهی که از شروع پیروزی انقلاب میگذرد، ملت و دولت ایران به رهبری قاطع و هوشمندانه امام خمینی قدم‌های بلندی در راه به ثمر رساندن جانفشانی‌ها و مبارزات دلیرانه مردم ایران برداشته‌اند.

ترک پیمان تجاوزکارستو، احضار نیروهای نظامی از عمان، پیوستن به جرگه کشورهای غیر متعهد، تقلیل بودجه و نفقات نظامی غیر لازم، ایجاد روابط نزدیک با سازمان آزادیبخش فلسطین، رد قرارداد با اصطلاح صلح معش و اسرائیل، استقرار آزادیهای دموکراتیک، اعلام اینکه ایران دیگر زاندارم خلیج فارس نخواهد بود، و یک سلسله اقدامات دیگر، همه اینها آرزوی دیرینه مردم صلح دوست ایران بود که پس از سالها مبارزه و فداکاری، به یمن پیروزی انقلاب خونین ایران بدست آمد.

ما امیدواریم که اقدامات دولت انقلابی ایران در راه صلح و آزادی و دموکراسی همچنان ادامه یابد و با استقرار جمهوری اسلامی ایران قرارداد تحلیلی و با اصطلاح امنیت متقابل ایران و آمریکا و سایر قراردادهای نظامی لغو گردد، به خدمت بقیه مستشاران نظامی پایان داده شود و با دولت‌های انقلابی و از قید استعمار آزاد شده لیبی، یمن جنوبی، کوبا، آنگولا، اتیوپی، ویتنام و افغانستان

خانواده‌های تهیدست سرولستانی اکثراً برای کمک بخرج خود یک دار قالی در خانه برپا میکنند. زنان و دختران خانواده و یا آشنایان و بستگان بر روی این قالیها کار میکنند. به تناسب افرادی که بر روی قالی کار میکنند، از یک هفته تا یکماه طول میکشد تا قالی تمام شود. برای بافندگاری، هر قالی پس از وضع مخارج، ۵۰۰ تا ۷۰۰ تومان، بدون احتساب مزد کارگر، باقی میماند.

قالیها را دلایله خریداری میکنند و پس از انتقال به شیخ نشین‌ها، در آنجا بفروش می‌رسانند. پس از انقلاب، دلایله دیگری قالی نمی‌خرند و میگویند میدالات بین ایران و شیخ نشین‌ها قطع شده است.

فروش قالی کمک مؤثری به هزینه خانواده‌های روستائی سرولستان و حومه آن بود که اکنون مدتی است این منبع درآمد از بین رفته است. این جریان موجب نارضایتی روستائیان شده و قالی‌ها روی دستشان مانده است.

نمدهالان سرولستانی علاوه بر کرک و گوسفند، از موادی برای تهیه کلاه نمندی استفاده میکنند، که از خارچ وارد میشود. بعد از انقلاب، از ورود این ماده ارزاقیت به ایران جلوگیری شده. کلاه نمندی بخاطر ارزانی این ماده و سهولت تبدیل آن به کلاه، مشتریان زیادی دارد.

کشاورزان سرولستانی میگویند، با آنکه قیمت گندم افزایش یافته، ولی نعش بطور عمده به جیب مالگانی میرود که زمینهای وسیعی را در اختیار دارند و گرنه کسانی که فقط با اندازه نیازشان زمین در اختیار دارند و امکان تولید بیش از مصرف را ندارند، نه تنها نعمی عایدشان نمیشود، بلکه باید همان گندم را گرانتر از سابق بخرند.

یک کارگر بیکار سرولستانی به خبرنگار «مردم» گفته است که، من و خانواده سه نفری‌ام هیچگونه درآمدی نداریم. من مجبورم روزهای متوالی در بیابانهای داغ و سوزان، برای بدست آوردن کثیرا، خارها را تیغ بزنم و پس از ۱۰-۱۲ روز ۲ کیلو کثیرا بدست آورم و با فروش آن امرار معاش کنم. با وجودی که مدت چهارسال بی دربی کارگر جنرال مکانیک بودم و هر ماهه حق بیمه از من کسر میکردند، اما به بهانه کمبود از کار اخراج کردند و از پرداخت وام بیکاری امتناع میکنند.

روابط نزدیک و دوستانه برقرار گردد، ما نگرانی و تشویش خود را از تشدید تجاوزاتی که دولت اسرائیل اخیراً بر ملت‌های فلسطین و لبنان نموده ابراز میداریم و از همه احزاب و سازمان‌ها و افراد آزادیخواه ایران دعوت میکنیم که به یاری مردم مظلوم فلسطین و لبنان برخیزند.

ما همدردی خود را با ملت انقلابی افغانستان اظهار میکنیم، ملتی که یکسال پیش مانند برادران ایرانی خود بر علیه ظلم و فساد و استبداد قیام کردند و اکنون مانند کشورها، هم گرفتار مسائل و مشکلات دوران سازندگی کشور خویشند، و هم باید انقلاب و نغمه‌های آن را در برابر توطئه‌ها و تهمتهای ضد انقلاب محافظت نمایند. ما اقدامات نیروهای ارتجاعی پاکستان را که با ترتیب دادن اردوگاه‌ها و تشویق افراد دستهای ضد انقلاب

روابط نزدیک و دوستانه برقرار گردد، ما نگرانی و تشویش خود را از تشدید تجاوزاتی که دولت اسرائیل اخیراً بر ملت‌های فلسطین و لبنان نموده ابراز میداریم و از همه احزاب و سازمان‌ها و افراد آزادیخواه ایران دعوت میکنیم که به یاری مردم مظلوم فلسطین و لبنان برخیزند.

ما همدردی خود را با ملت انقلابی افغانستان اظهار میکنیم، ملتی که یکسال پیش مانند برادران ایرانی خود بر علیه ظلم و فساد و استبداد قیام کردند و اکنون مانند کشورها، هم گرفتار مسائل و مشکلات دوران سازندگی کشور خویشند، و هم باید انقلاب و نغمه‌های آن را در برابر توطئه‌ها و تهمتهای ضد انقلاب محافظت نمایند. ما اقدامات نیروهای ارتجاعی پاکستان را که با ترتیب دادن اردوگاه‌ها و تشویق افراد دستهای ضد انقلاب

روابط نزدیک و دوستانه برقرار گردد، ما نگرانی و تشویش خود را از تشدید تجاوزاتی که دولت اسرائیل اخیراً بر ملت‌های فلسطین و لبنان نموده ابراز میداریم و از همه احزاب و سازمان‌ها و افراد آزادیخواه ایران دعوت میکنیم که به یاری مردم مظلوم فلسطین و لبنان برخیزند.

ما همدردی خود را با ملت انقلابی افغانستان اظهار میکنیم، ملتی که یکسال پیش مانند برادران ایرانی خود بر علیه ظلم و فساد و استبداد قیام کردند و اکنون مانند کشورها، هم گرفتار مسائل و مشکلات دوران سازندگی کشور خویشند، و هم باید انقلاب و نغمه‌های آن را در برابر توطئه‌ها و تهمتهای ضد انقلاب محافظت نمایند. ما اقدامات نیروهای ارتجاعی پاکستان را که با ترتیب دادن اردوگاه‌ها و تشویق افراد دستهای ضد انقلاب

روابط نزدیک و دوستانه برقرار گردد، ما نگرانی و تشویش خود را از تشدید تجاوزاتی که دولت اسرائیل اخیراً بر ملت‌های فلسطین و لبنان نموده ابراز میداریم و از همه احزاب و سازمان‌ها و افراد آزادیخواه ایران دعوت میکنیم که به یاری مردم مظلوم فلسطین و لبنان برخیزند.

پطروف، مفسر مشهور روزنامه پرآودا، مقاله‌ای نوشته که توسط خیرگزاری شوروی «نورستی» منتشر شده است. توجه خوانندگان «مردم» را به نظرات مفسر پیرامون روابط ایران و شوروی جلب میکنیم.

در اتحاد شوروی، مجاهدات رهبران ایران نوین واقعاتی که در مورد رفع مشکلات داخلی، احیای اقتصادیات و نوسازی نظام اداری کشور انجام میگیرد، با تفاهم و علاقه دنبال میشود.

برآمد پیکر وجودی اقتصاد شوروی علیه دخالت محافل امپریالیستی، در امور داخلی ایران در دوران حوادث انقلابی، تا حد زیادی به عقیق ماندن نقشه‌های مداخله گرانه خارجی کمک کرد، نقشه‌هایی که، چنانکه معلوم است، تنها روی کاغذ وجود نداشت.

پیروزی انقلاب ایران امکانات گسترده‌ی بیشتری برای توسعه روابط حسن همجواری بین دو کشور و تعمیق همکاری متقابل با مفید بین مادر تمام زمینها فراهم نمود. رهبران ایران، از جمله آیت‌الله خمینی، پیشوای انقلاب، در اظهارات اخیر خود باین واقعیت مطلوب عطف توجه نمودند. از هر دو طرف تمایلاتی ابراز میشود و تدابیر ملی اتخاذ میگردد تا همکاری شوروی و ایران پر رونق تر گردد.

لکن چنین دورنمایی، چه در خود ایران و چه در خارج از آن، بساط طبع همه نیست. نیروهایی هستند که بیشتر خواهان نفاق و بدگمانی بین ایران و اتحاد شوروی هستند تا دوستی و هم آهنگی. منظور قبیل از همه عناصر طرفدار امپریالیست‌ها، هواداران شاه و مرتجعین هستند که انقلاب بمنافعشان ضربه نیر و مندی وارد ساخت.

آنها توطئه می‌چینند و بین دسته‌های مختلف جنبش انقلابی و گروه‌های جداگانه ملی و اجتماعی جامعه ایران اصطکاک و تصادم برپا میکنند. این نیروها بپیمیل نیستند که اقتصادیات ایران را به هرج و مرج بکشانند و وضع کشور را در صحنه بین‌المللی وخیم و بفرنج سازند و میان ایران و همسایگانش تصادم ایجاد کنند.

آنها میخواهند در میان توده‌ها بذر شک و تردید دراهمیت حیات بخش تحولاتی که در ایران روی داده، بیفشانند، تحولاتی که به بهای جان هزاران وطن پرست تمام شده است. بخاطر این مقاصد، ترهات و افتراهای زیادی پخش میشود، از جمله علیه اتحاد شوروی.

هدف سیاست اتحاد شوروی در تمام مراحل، به پیروی از وصایای و.ای. لینن، رهائی خلق‌ها از قید استعمار و کلیه اشکال دیگر ستم و تعدی بوده و هست. مشکل بتوان تشبیهی مهمل تر و سخیف تر از این تلاش تصور نمود که این سیاست، باروش کشورهای امپریالیستی، که ده‌ها سال در ایران سیادت کردند و ثروت آن را به یغما بردند و این کشور را بپایگاه نظامی خود مبدل کردند، در یک سطح قرارداد شود. با تمام این اوصاف، اینگونه تلاشها وجود دارد، ولی همانند تمام تلاشهای پیشین محکوم به شکست است. زیرا هر روز خود واقعیت زندگی آنها را تکذیب میکند. در اینجا فقط کسی میتواند فریب بخورد که بخواد خود را فریب دهد و یا اینکه برای فتنه گری خود دستاویزی پیدا کند. بعید نیست که در میان شخصیت‌هایی که در

انقلاب نقش مهم و مثبتی داشتند - انقلابی که شاه و دیگر سرسپردگان نیروهای بیگانه با مردم را سرنگون کرد - اشخاصی هم باشند که اکنون میخواهند منطق پیشرفت و تکامل را عوض کنند، از دوستان رو بر میگردانند و در میان دشمنان دیروزی طلب عنایت و احسان مینمایند. ولی آنهایی که سر نوشت و مقدرات ایران را حل میکنند، این قبیل اشخاص نیستند، بلکه آن دولتمردان تجربه دیده‌ای هستند که بلدند دروغ را از راست تمیز دهند. اعتماد مردم و همبستگی گسترده بین‌المللی با آنهاست.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دوجانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

طب ملی

بجای گذاشت. این رژیم ضد خلقی و وابسته بامپریالیسم، اولاً همه نیازهای درمانی و از جمله تربیت کادرهای پزشکی و متخصصین را به کشورهای امپریالیستی وابسته کرد و ثانیاً زیر فشار پرطمطراق دکار مردم را باید بمرسد سپرد. موسسات و بنگاههای آموزشی و طبی کشور را هم بطور عمده بدست بخش خصوصی سپرد و آنها را به موسسات تجارتي پسر درآمدی برای

صاحبان، که اغلب وابسته به دربار پهلوی بودند و بنحوی این «بزرگ منشی» خاندان فاسد پهلوی را درج مینهادند، تبدیل کرد. در این معامله شوم، بازندگان واقعی اکثریت قریب به اتفاق مردم، یعنی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان یدی و فکری جامعه و از جمله توده پزشکان زحمتکش بودند. آنچه را که رژیم گذشته «ملی» مینامید، در واقع موسسات سوداگر شخصی و خصوصی بود.

«ملی» بآن موسسات و بنگاههایی میگوئیم که در مالکیت اشخاص و افراد نباشد، بلکه در مالکیت همه خلق باشد و دولت ملی - بعنوان نماینده مردم - آنها را به نفع مالکین واقعی آنها، یعنی همه خلق اداره کند. پس طب ملی، یعنی لئو مالکیت خصوصی بر موسسات، بنگاهها و وسائل عمده بهداشتی، درمانی و داروئی و اجرای مالکیت همه خلقی بر این موسسات و وسائل، جز رایگان بودن همه خدمات بهداشتی و درمانی و استفاده مجانی از همه امکانات و وسائل و دارو، در ازای حق بیمه‌ای که به تناسب درآمد پرداخت میشود، نمیتواند باشد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، طرفدار جدی اتخاذ و اجرای چنین سیاست بهداشتی و درمانی است. حزب توده ایران با تکیه به تجربیات کشورهای سوسیالیستی در زمینه بهداشت و طب ملی، میتواند کمکهای موثر عملی و فکری، که با شرایط خاص ایران منطبق و به نفع همه مردم باشد، بنماید. بهمین دلیل حزب توده ایران بعنوان حزبی که برای حفظ منافع و حقوق همه زحمتکشان ایران مبارزه میکند، وظیفه خود میداند که به تجزیه و تحلیل علمی در مورد طب ملی بپردازد و راه اجرای آن را نشان دهد.

طب ملی امری نیست که بتوان آن را از امروز بفرود و با صدور اعلامیه و یا تصویبنامه بمرحله اجرا گذاشت. هرگونه شتابزدگی و عوامفریبی و چپ روی بیجا، وضع درمان را دچار سکنه و جامعه ما را دچار آشکالات فراوان و انقلاب ملی و دمکراتیک ما را دچار مخاطره خواهد کرد.

ملی کردن، بان معنی که در بالا از آن یاد شد، تنها در چارچوب یک اقتصاد ملی و مستقل و فرهنگ ملی و غیر وابسته، بر پایه میلی کردن عمده ترین وسائل و موسسات تولید و خدمات (صنایع کلیدی و مادر، بانکها، بیمهها، بازرگانی خارجی، منابع زیرزمینی و دریایی کشور، وسائل و موسسات تولید نیرو، سدها، شبکههای تأمین آب و آبیاری، راه آهن و راهها، هواپیمائی و کشتیرانی، وسائل ارتباطی، بنگاههای عمده حمل و نقل، موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، جنگلهای امرات عمومی، زمینهای بزرگ، که در مالکیت دهقانان نیست، آموزش و پرورش در همه سطوح) امکان پذیر است.

برای ملی کردن طب به معنوی که در بالا ذکر شد، باید زیر بنای مادی و فنی آنرا بی ریزی کرد. این زیر بنای مادی و فنی طب ملی، فقط در بطن و هماهنگی با زیر بنای اقتصاد ملی و مستقل میتواند بی ریزی شود و رشد یابد.

حال که جامعه ما اولین قدمها را در راه ایجاد یک اقتصاد ملی و مستقل، از طریق ملی کردن بانکها، بیمهها، قسمتی از زمینها و صنایع بزرگ و وابسته ب سرمایه های امپریالیستی، برداشته است، بی ریزی سیستم طب ملی را می توان و باید از هم اکنون شروع کرد. برنامه طب ملی را باید در دوماه آینده، که با هم پیوند حیاتی دارند، طرح ریزی و پیاده کرد.

۱- مرحله پی ریزی زیر بنای مادی و فنی:

الف- اولویت دادن به بهداشت عمومی و طب پیشگیر در مقابل طب درمانی.

طب زمان رژیم پهلوی، طب مصرفی بود، کاملاً وابسته ب سیستم طبابت در کشورهای عمده امپریالیستی. طب مصرفی، از این نظر که سیاست بهداشتی کشور بطور عمده بر پایه معالجه بیماریها استوار بود و به طب پیشگیر توجه چندانی نمیشد، و طب وابسته، بدین جهت که در کشور ما، چه از نظر کادرهای متخصص پزشکی و چه از نظر تأمین دارو و وسائل پزشکی، کاملاً بکشورهای امپریالیستی و در رأس همه امپریالیسم آمریکا وابسته بود. این سیاست ضد مردمی و غیر انسانی، در چارچوب سیاست کلی رژیم وابسته بامپریالیسم، که اقتصاد کشور را به یک اقتصاد وابسته و مصرفی تبدیل کرده بود، کاملاً میگنجید. در طب مصرفی و وابسته مانند بازار سایر کالاها - هر کس بیشتر پول میداد، بهتر معالجه میشد و هر کس فقیر و بی پول بود، همبایست بمورد.

برای رهایی از وابسته و مصرفی بودن طب، باید در سیستم طب ملی برای پیشگیری از بیماریها، در مقابل درمان آنها، اولویت زیاد قائل شد. چون در سیستم گذشته بسفله بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماریها توجه چندانی نشده و آنچه هم که انجام گرفته، بعلت

فقدان سودآوری، در بخش دولتی متمرکز است و چون در این بخش با معضل ملی کردن و چگونگی اجرای آن روبرو نیستیم، دولت باید این بخش را فوراً ملی اعلام کند و به توسعه آن از طریق ایجاد شبکه های ساکن و سیار در سراسر کشور بپردازد. از دخالت بخش خصوصی در این امور (از قبیل واکسیناسیون، که تنها بملت سودآور بودن، بطور وسیع، ولی ناقص، نارسا و بدون هدف از طرف بخش خصوصی اجرا میشود) باید اکیداً جلوگیری کرد. ایجاد یک سیستم مترقی پیشگیری از بیماریها، بخصوص از این نظر مرجع است که اولاً ب سرمایه گذاری کمتری احتیاج دارد؛ ثانیاً تربیت کادرهای آن آسانتر و در مدتی کوتاه تر عملی میشود؛ ثالثاً از احتیاج کشور به موسسات و کادرهای درمانی، بمقیاس بسیار وسیع خواهد کاست. این امر با توجه به کمبودهای عظیمی که هم از نظر موسسات درمانی (درمانگاه و بیمارستان) و هم از نظر کادرهای درمانی (پزشک و پرستار و سایر کادرهای کمک پزشکی) در کشور وجود دارد، بسیاری از مشکلات درمانی را در حال و در آینده حل خواهد کرد. برای اجرای طرح بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماریها، میتوان از تجربیات ارزنده کشورهای سوسیالیستی، که برخلاف کشورهای سرمایه داری به طب پیشگیر اهمیت فوق العاده میدهند و به پیشرفتهای شگرفی در این زمینه نائل آمده اند، استفاده کرد.

ب- از هم اکنون باید موسسات درمانی ملی (دولتی) را در نقاط پرجمعیت شهرهای بزرگ و شهرستانها و در محلهای کثیف که زحمتکشان جامعه سکونت دارند، بوجود آورد و در آنجا یک مرکز درمانی موسسات موجودند، آنها را توسعه داد. باید پزشکان علاقمند به سیستم طب ملی را در این مراکز بکارگمارد و با در نظر گرفتن حقوق و مزایا و برخورداری از انواع بیمهها و رفاه اجتماعی، تعداد هر چه بیشتر از پزشکان را باین بخش جذب نمود. پزشکان و سایر کادرهای درمانی باید در بخش طب ملی از آنچنان رفاهی برخوردار باشند که احتیاج بکار در بخش خصوصی را نداشته باشند. در این مراکز که در واقع هسته های طب ملی آینده اند، باید همه کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و ده بطور رایگان، چه سرباشی و چه بطور بستری، درمان شوند. برای سرپرستی پزشکی دهات و نقاط دور افتاده، که نه ممکن است و نه لازم که پزشک مقیم داشته باشند، باید در مراکز استانها و شهرستانها، بیمارستانهای ملی (دولتی) مجهز بوجود آورد. این بیمارستانها باید مجهز به آمبولانس، و در نقاطی که ضرورت داشته باشد، هلیکوپتر باشند. تا دهات و قصبات اطراف را، هم برای درمان بیماران سرباشی و هم برای انتقال بیمارانی که احتیاج به بستری شدن دارند، زیر پوشش خود بگیرند. درمان در این موسسات هم باید کاملاً رایگان باشد. بخش طب ملی را باید بسته ب امکانات هر چه بیشتر توسعه داد تا احتیاج مردم بمرامجه به موسسات خصوصی هر چه کمتر شود.

پ- باید با آمارگیری دقیق از جمعیت و تراکم ویراکنندگی آن در مقیاس کشور و آمارگیری علمی درباره انواع بیماریها و درصد شیوع آنها، احتیاجات فوری و آینده کشور را به موسسات و کادر درمانی (درمانگاه، بیمارستان، پزشک، پرستار و غیره) تعیین کرد و با توجه به نتیجه این تحقیقات، به ساختن موسسات و تربیت کادرهای لازم پرداخت. شکی نیست که این اقدامات باید در چارچوب طب ملی و در جهت توسعه هر چه بیشتر آن انجام شود.

ت- ملی کردن همه موسسات آموزشی و از جمله موسسات آموزش پزشکی، پرستاری، تکنیسین و سایر کادرهای کمک پزشکی، توسعه این موسسات و برنامهریزی برای تربیت کادرهای لازم، طبق احتیاجات مشخص حال و آینده کشور، بطوریکه جوایگوی مرحله بعدی، یعنی ملی کردن کامل طب باشد. تربیت این کادرها باید حتی الامکان شامل اهالی بومی شود تا ماندن آنها در محل و استفاده از آنها در سیستم طب ملی آسانتر انجام شود.

ث- اجازه دادن باین موسسات که کادرهای تخصصی پزشکی، پرستاری و سایر رشتهها را خود بعهده بگیرند تا بدینوسیله سیستم آموزش طب ملی کشور از وابستگی به کشورهای امپریالیستی بیرون آید و از فرار مغزها جلوگیری شود.

ج- اتخاذ تدابیری برای بازگشت پزشکان ایرانی که به تعداد چندین هزار نفر در کشورهای خارجی مشغول کارند و ایجاد تسهیلات لازم برای بازگشت آنها، از جمله تهیه محل کاری که درخور رشته تخصصی آنها باشد.

چ- خواستن از پزشکان، که بسته ب احتیاج مناطق وابسته بفاصله مناطق از مرکز، چند روز یا چند ماه را بطور نسوبتی، در شهرها و شهرستانهای دور افتاده انجام وظیفه کنند. بدینوسیله تمام امکانات نقل و انتقال و مسکن و سایر احتیاجات پزشکان و کادرهای پزشکی باید از طرف دولت تأمین شود.

ح- رعایت عدم تمرکز امور بهداشتی و درمانی، کوشش برای ایجاد مراکز مجهز آموزش پزشکی و موسسات بهداشتی، پیشگیری از بیماریها و درمان در مراکز استانها و شهرستانهای بزرگ، اجازه دادن بمناطق برای برنامهریزی در چارچوب برنامه کلی دولت مرکزی و ایجاد مرکزی برای هماهنگی کردن برنامهها و رفع احتیاجات مناطق مختلف.

خ- اصلاح بیمه های اجتماعی و درمانی موجود و سوق دادن روند کار آنها درجهتی که در مرحله بعدی، یعنی مرحله طب ملی کامل، نیازی ب آنها نباشد.

د- رسیدگی سریع به وضع بخش خصوصی و اجازه دادن به آن مراکز که دارای استانداردهای معینی هستند، تا تحت شرایط ویژه و نظارت دقیق دولت، تا مرحله بعدی، فقط در کادر نیازهای درمانی فعالیت کنند. شرکت فعال دولت در بیمارستانهای خصوصی هم برای اعمال نظارت در امور مالی، درمانی و اداری آنها و هم برای جهت دادن ب فعالیت آنها برای ادغام در سیستم طب ملی.

ذ- پایه ریزی «شمت داروسازی مستقل ملی»، برای تهیه داروهای ضروری در داخل کشور و بی نیاز کردن مملکت از موسسات مونتاز دارو، که همگی وابسته ب سرمایه های امپریالیستی اند، بی نیاز کردن کشور از واردات دارو، جلوگیری فوری از ورود داروهای

ژرفای جنایات رژیم پهلوی باید افشاء شود

در شماره ۳۵، روزنامه مردم، شرح شکنجه مبارزی انعکاس یافت که در روزهای تسلط رژیم اهریمنی پهلوی بر جامعه ما، واقعه ای عادی بشمار میرفت. این شرح، که فا بدلیل رعایت موازین عفت عمومی، قسمتهای آنرا حذف کردیم، جزء ناچیزی است از یک جنایت عظیم که رژیم پهلوی پایه های حکومت خود را بر آن منکی ساخته بود. این واقعه و هزاران واقعه مشابه، مشخصه یک دوران سیاه در تاریخ حیات مین ماست. برای زدودن کامل آثار این دوران و برگشت ناپذیر ساختن آن، باید در عین سرکوب و تصفیه قاطع عمال جنایتکار رژیم شاه مخلوع، عمق تیرگی و پلیدی ساواک و دیگر دستگاههای اعمال فشار و ایجاد خفقان را برای توده مردم افشاء نمود و تصویری صحیح، زنده و گویا از اعمال این جلادان و دیو خفقان در مقابل مردم قرار داد.

در این زمینه، پیشنهاد میکنیم که نمایشگاهها و موزههایی از جنایات رژیم پهلوی برای عموم مردم تشکیل یابد. در این نمایشگاهها باید دستگاههای «مدرن» شکنجه ای که مبارزان را توسط آنها تکه تکه و مثله میکردند، به آنها شوک وارد ساخته یا میسوزانند و کباب میکردند، در معرض دید همگان گذارده شود. باید عکسهای مبارزانی که در زیر شکنجه به شهادت رسیدند (و تمامی آنها در میان اسناد ساواک موجود است)، گزارشهایی که سگهای درنده ساواک در مورد شرح جنایات خود به رسای خویش داده بودند، فیلمهایی را که جانیان ساواک از جریان شکنجه و قتل مبارزان تهیه کرده اند (و در میان اسناد بجا مانده ساواک موجود است) و فیلمهایی که در جریان دادگاههای انقلاب از چگونگی شکنجهها از زبان زندانیان شکنجه شده یا مادران مبارزان شهید شده، در معرض دید همگان گذارده شود. مقامات مسئول موظفند با اتخاذ تدابیری درهای زندانها، شکنجه گاهها و سیاهچالهای رژیم پهلوی را بر روی مردم بکشایند و ماهیت واقعی این رژیم را بشکلی ملموس در مقابل دیدگان مردم قرار دهند. باید مردم درک کنند که فرزندان آنها در چه شرایطی و در مقابله با سلطه چه درخیمانی مبارزه میکردند. هر قدر این افشاگرها بیکیتر و کاملتر انجام گیرد، مبارزه توده های مردم با بقایای رژیم پهلوی نیز آگاهانه تر و قاطعتر خواهد بود و امکان بازگشت چنان شرایطی نیز کمتر خواهد شد.

در بازداشتگاههای مرگ، در بوختی والد و آشوبی و غیره... در همان مکانهاییکه فاشیستها اردوگاههای اسیران و کوره های آدمسوزی بپا کرده بودند، سالهاست که نمایشگاهها و موزههایی از جنایات آنان برپاست. کوهی از کشفهای کوردها تکیه آنها را نابود کردند، موی زنها تکیه آنها را زنده زنده سوزاندند، فیلمهایی که فاشیستهای آلمانی از جنایات خویش تهیه کرده بودند، همه و همه در مقابل انظار همگان است تا مردم بدانند که فاشیسم چیست، تا همواره قلبشان مملو از آگاهی، نفرت و خشم نسبت بآن و بانیان آن باشد. مردم ایران نباید ایام تیره و خفقان بار تسلط رژیم پهلوی را فراموش کنند، همانگونه که مردم جهان نیراجانه ندارند و اجازه نمیدهند فاشیسم هیتلری، که دنیا را بکام جنایات خویش کشانده و دهها میلیون کشته بر جای نهاد، به فراموشی سپرده شود. آزادی آهنگام خنده ناپذیر و استوار میشود که عمق خفقان و استبداد از یادها نرود. متأسفانه دولت موقت و مقامات مسئول تا کنون کمتر باین خواست و ضرورت توجه کرده و در مورد افشاء جنایات رژیم گذشته قاطعیت و بیگیری لازم از خود نشان نداده اند. بهمین دلیل ما خود را موظف میدانیم مصرا نه بروی این امر تکیه کنیم، زیرا تربیت توده مردم با روحیه ضد اختناق و ضد استبداد، بدون افشاء کامل جنایات رژیم فاشیستی پهلوی امکان نخواهد داشت.

غیر ضرور و داروهای که مشابه آنها در داخل کشور موجود است، پایه ریزی صنایع تولید وسائل پزشکی و بی نیاز کردن کشور از واردات و مسائل گران قیمت از کشورهای امپریالیستی.

۲- مرحله ملی اعلام کردن طب:

پس از مرحله اول و پس از آماده شدن زیر بنای مادی و فنی، باید طب را ملی اعلام کرد. باین معنی که همه موسسات، بنگاهها و وسائل و خدمات بهداشتی، طب پیشگیر و درمان باید ب مالکیت همه خلقی در آید. بدون شك این برنامه بدون همکاری در رشته های مختلف علم و صنعت و آن موسسات و ادارات دولتی که فعالیتشان بنحوی با امور بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماریها برخورد میکند و بخصوص بدون جلب همکاری پزشکان زحمتکش ممکن نیست.

برای جلب این همکاری باید نمایندگان توده زحمتکش پزشکان را بطور فعال در برنامه ریزی و تصمیم گیریها شرکت داد. وجود یک سازمان صنفی و همگانی پزشکان میتواند باین همکاری کمکهای ارزنده ای بکند. از هم اکنون باید بنابر پایه همکاری صادقانه و دوستانه مقامات دولتی با کادرهای پزشکی و بخصوص اکثریت قریب بانفاق پزشکان، که جزء قشرهای زحمتکش جامعه اند، گذاشت. رژیم فاسد پهلوی به پیروی از سیاست اختلاف بیانداز و حکومت کن، رابطه بین پزشکان و بیماران را مسموم کرده بود و میخواست با ایجاد تضاد های مصنوعی و غیر واقعی و بجان هم انداختن گروههای مختلف زحمتکش، عمر رژیم پوسیده خود را طولانی تر کند. ما معتقدیم که اکثریت پزشکان و سایر کادرهای پزشکی جزء زحمتکش ترین قشرهای جامعه اند. هیچگونه تضاد منافع اصولی بین آنها و سایر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه موجود نیست و بهمین دلیل جلب همکاری آنها برای ساختن سیستم طب ملی هم مفید و هم کاملاً ضروری است.

ما میکوشیم در شماره های آینده درباره هر کدام از نظریات و پیشنهادهایی که در این نوشته آمده است، توضیحات بیشتری بدهیم.

هدف اصلی کنفرانس توکیو چیست؟

گردهمایی سران هفت دولت صنعتی غرب ، روز جمعه ۲۹ ژوئن ، با انتشار اعلامیه مشترکی که بقول روزنامه لوموند با «روش متعادل و آرزوهای مختلف» تنظیم شده بود ، پایان یافت .

آمریکاییها و ژاپنیها قبول کردند که واردات نفتی خود را تا سال ۱۹۸۵ محدود سازند . از طرف دیگر اروپائیان ، که هفته قبل از تشکیل کنفرانس توکیو واردات نفتی خود را در یک گردهمایی در استراسبورگ سهمیه بندی نموده بودند ، قول دادند که این سهمیه بندی را به تفکیک کشور انجام دهند . بعلاوه برای پیدا نمودن انرژی جایگزینی برای نفت ، هفت دولت متعهد شدند که تولید این انرژی را افزایش دهند . تولیدات ذغال و هم چنین انرژی اتمی مسورد تسویه قرار گرفت . اما این تصمیماتی که گرفته شد ، ظاهر قضیه است .

برای بی بردن به کنه مساله باید کمی عقب برگردیم ، یعنی به سالهای بعد از جنگ دوم . پس از این جنگ جهانی ، ایالات متحده آمریکا هجوم غول آسای خود را بیازارهای کارومصرف و مواد اولیه ، که قبلا در انحصار استعمارگران اروپائی قرار داشت ، شروع نمود و از این طریق سعی کرد که تسلط سیاسی ، اقتصادی ، مالی خود را بر اروپا و دیگر مناطق جهان گسترش دهد . دولت ایالات متحده آمریکا ، بهانه تجارت آزاد و سیاست درهای باز ، توسعه نفوذ مالی و اقتصادی خود بر جهان را در سر داشت . در واقع دولت آمریکا ، در پی درسی که تراستهای این کشور از بحران عمیق اقتصادی ۱۹۲۹ گرفته بودند ، تصمیم به توسعه بیحد و حصر و بیرحمانه صادرات خود - به قیمت که باشد - گرفته بود . اما از یک طرف باواکنش کشورهای اروپائی و از طرف دیگر با مبارزات استقلال طلبانه کشورهای آسیا ، افریقا و آمریکای لاتین روبرو شده بود . برای نجات از این بن بست بود که طرح مارشال و اصل چهارم ترومن ، همراه با کمکهای نظامی ، وامهای طولی المدت و حتی وامهای بلاعوض بوجود آمد . بدین ترتیب ایالات متحده آمریکا توانست در سایه «سیادت خود بر جهان» ، دلار را بعنوان یک وسیله پرداخت بین المللی - همطراز طلا - در سیستم تجارت بین الملل وارد نماید . آمریکا از این موقعیت برای خرید شرکتها اروپائی و استقرار اقتصادی خود در اروپا نیز سوء استفاده نمود .

هنگامیکه ایالات متحده آمریکا دچار بحران اقتصادی و مالی شد ، برای حفظ «سیادت و برتری» خود ، دست به چاپ دلار زد و بدین ترتیب تمام پرداختهای خارجی خود را با دلار کاغذی ، که هیچ پشتوانه ای نداشت ، میپرداخت . در نتیجه بیش از ۶۰ میلیارد دلار کاغذی در مدار اقتصادی جهانی دست بست بست میگشت ، پدیده ای که آنرا دلارهای اروپائی نامیدند . باید اضافه کرد که «اروپائیان جنتلمن» قول داده بودند که همچوقت در مقابل این دلارهای کاغذی مطالبه طلا از آمریکا نکنند . این شکردها و شمعینه بازیها برای نجات تجارت بین المللی ، سیستم پولی بین المللی و بطور خلاصه سرمایه داری محض غرب و در رأس آنها آمریکا تا سال ۱۹۷۱ ادامه داشت . در این سال دنیای سرمایه داری با یک سقوط ناگهانی رشد بازرگانی بین المللی روبرو گردید ، بترتیبی که این نرخ رشد ، که در سال ۱۹۶۹ بالغ به ۱۰٪ بود ، در این سال به ۵/۵٪ رسید . در همین هنگام نیکسون ، با اعلام کاهش ارزش دلار ، عدم وابستگی آن به طلا و اتخاذ سربلای اقدامات گمرکی حمایتی ، در حقیقت به اروپا و ژاپن اعلام جنگ داد . جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳ و بدنبال آن افزایش بیسابقه قیمت نفت ، ضربه دیگری بود بر اقتصاد اروپای غربی و ژاپن .

اما در این میان ملل محروم و ستم دیده سه قاره آفریقا ، آسیا و آمریکای لاتین نیز بیکار ننشسته بودند و مبارزات شدیدی را برای استقلال و بهتری زیستن و رهائی از زیر یوغ امپریالیسم آغاز کرده بودند . نگاهی بسه مبارزات آزادیبخش ملی در سراسر جهان ، که انقلاب بزرگ ایران نمونه بارز آن است ، گویای این حقیقت است که امپریالیسم بوحشت افتاده سعی میکند ، «فلا» تضادهای درونی خود را کنارگذارد و برای سرکوبی خلقهای بها خاسته متحد شود . کنفرانس توکیو را نیز دقیقا باید در چارچوب این «سیاست اتحاد امپریالیسم بر ضد جنبشهای آزادیبخش ملی» تحلیل و بررسی کرد . این کنفرانس اولین یا آخرین نوع این گردهماییها نیست . از کنفرانس رامبوویه ، که در سال ۱۹۷۴ در فرانسه تشکیل گردید ، تا بحال چند کنفرانس از این نوع تشکیل شده است . اگر به یکی از جمله های ژیکاردستن ، که در کنفرانس رامبوویه بیان کرد ، توجه کنیم ، به کنه این مساله پی خواهیم برد . وی گفت : «هدف از این گردهماییها اینست که بنوعی همکاری واقعی بین سیاست کشورهای اروپائی ، آمریکا و ژاپن دست یابیم .» اما منظور از این «همکاری واقعی» چیست؟ مسلما نوعی کنار آمدن در غارت منابع طبیعی و ثروت های ملی کشورهای «جهان سوم» .

کنفرانس ژاپن ، که بیشتر تکیه بر روی انرژی داشت ، نیز نتوانست ظاهر را حفظ کند و حمله شدیدی ، از نوع حملاتی که همیشه سرمایه داری امپریالیستی به کشورهای تولید کننده مواد خام میکند به کشورهای اوپک نمود و آنها را باعث وبانی وضعیت وخیم اقتصادی که سرمایه داری امپریالیستی با آن دست به گریبان است ، دانست و به آنها هشدار داد که : «افزایش قیمت نفت باعث تورم و رکود اقتصادی در غرب خواهد شد . اما میدانیم که افزایش قیمت نفت نه تنها دلیل

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده

ایران درباره تظاهرات و راه پیمائی سه شنبه حزب جمهوری اسلامی ، از همه نیروهای اسلامی و ضد امپریالیستی دعوت کرده است که در روز سه شنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۵۸ در یک راه پیمائی برای ابراز وحدت نیروهای خلق در دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب شرکت کنند . با کمال تأسف ، حزب جمهوری اسلامی اعلام داشته است که نیروهای شرکت کننده در این راه پیمائی ، هیچگونه نشان و شعاری که معرف احزاب ، سازمانها و گروهها باشد ، همراه نیاورند . درحالیکه به نظر حزب توده ایران اتفاقاً برای بیان اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و ضد امپریالیستی ، صحیح تر این بود که این نیروها در عین حفظ نشان و شعار خود ، زیر یک شعار واحد ، یعنی **دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب** در این راه پیمائی شرکت میکردند .

در حال ، حزب توده ایران به پیروی از مضمون اصولی و پی گیری خود ، باردیگر آمادگی خویش را برای مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک به منظور تأمین استقلال ملی ، تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک ، برای سالم سازی و نوسازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی زحمتکشان اعلام میدارد .

دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۳۵۸/۴/۲۴

بقیه از صفحه ۲

باتوطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

شود ، بزبان انقلاب ما و پیشبرد آن تمام میشود .

باید برای خلق عرب ، مانند تمام خلقهای ساکن میهن ما ، حقوق حقه ملی تأمین شود ، باید سریعاً بوضع زندگی آنان ، کار و معیشت و مسکن و بهداشت و تحصیل آنها توجه شود و گام عملی برای از بین بردن هرگونه تبعیض برداشته شود ؛

باید از هرگونه تبعیض و غلطی پسران اشخاص خودداری گردد . این حرف را که ، بسیاری میزنند و در اعلامیهها مینویسند ، ولی کمتر بآن توجه میشود ، باید بمرحله عمل درآورد که : **مهم و عمده مبارزه ضد امپریالیستی و نجات انقلاب ایران است ، نه تضادهای درون خلقی و مسائل غیر عمده .**

باز هم هشدار میدهم و میگویم که موقعیت جدی است . همه نیروها و کسانی که دست اندر کار اوضاع خوزستان اند ، مقامات مسئول دولتی و گروهها و دستجات مختلف باید متوجه توطئه سازمان یافته امپریالیسم و ارتجاع باشند . باید بدانند و به بینند چرا و چگونه ، چه نیروها و چه کسانی دارند آب را گل آلود میکنند و محیط را انفجاری میسازند . در خوزستان منافع عظیمی - استراتژیک و نفتی - بهم گره خورده است . نباید گذاشت از وضع بفرنج کنونی ، ضد انقلاب استفاده کند و منافع امپریالیستی را بکرسی بنشانند . از انقلاب باید هشداراته دفاع کرد .

از سوی دیگر شیخ عیسی خاسقانی ، برادر حضرت آیت اله شیخ خاقانی ، که با امام و مقامات دولتی مذاکره کرده است ، ضمن مصاحبه ای - منتشره در روزنامه اطلاعات - گفت که ، خوزستان در حال انفجار است و باید هر چه زودتر اختلافات را حل کنیم . وی اهمیت منطقه را از نظر مرزی و از نظر نفتی خاطر نشان ساخت .

در واقع هم اکنون ، هر نیرویی که مستقیماً دست نشانده شاه سابق و عمالشی نباشد ، مستقیماً با ساواک و سیا و آمریکا و موساد اسرائیل مربوط نباشد نا آگاهانه به دام توطئه های این دشمنان خلقهای ما نیفتاده باشد ، باید درست همینطور که وی گفته ، عمل کند . یعنی بکوشد تا هر چه زودتر اختلافات حل شود و جلوی تحریکات و اقدامات ضد انقلاب ، که دارد اوج میگردد و وضع خوزستان را بحالت انفجاری درآورد ، گرفته شود .

این لوله ترکاندن آنها ، ایجاد حریقها ، تیراندازیها ، جلوی آب کشن آنها را گرفتن ، تهدید به گروگان گیری و تهدید به اعدام ، آتش سوزی انبارها و ازسوی دیگر دسته بندی با ضد انقلابیون در لباس کمیته و تظاهر باسلام ، ایرانی عرب را در مقابل ایرانی فارس قرار دادن تا امپریالیستها و سرمایه داران بزرگ وابسته و عناصر ضد خلقی سود ببرند و اوضاع را بروفق مراد خویش بیاورند ، عملی است که بهر بهانه وزیر هر پرچم و بهر نام انجام

تورم در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی نیست ، بلکه این افزایش خود مملول سیستم سرمایه داری امپریالیستی است . باید در نظر داشت که این افزایش قیمت نفت حتی چیران نمی آفریند ارزش قیمت کالاها صنعتی کشورهای امپریالیستی ، که کشورهای اوپک وارد کننده آنها هستند را نمیکند . در این مورد حتی گال برایت ، اقتصاددان آمریکائی ، در سال ۱۹۷۵ اعلام نمود که علت اصلی تورم در کشورهای اروپا ، آمریکا و ژاپن ، افزایش قیمت نفت نیست و نفت در حدود ۲/۵٪ در تورم غرب سهم بوده است . بدین ترتیب تلاشهای مذبحوحانه دول امپریالیستی برای نجات سرمایه داری آشکار میگردد .

سرمایه داری جهانی با بحران عظیم و بیسابقه ای دست به گریبان است . البته این بحران با «بحرانهای ادواری» که مارکسی آنها را پیش بینی کرده بود ، تفاوت دارد ، ولی ماهیت آن یکی است . اتخاذ سیاستهایی همانند سیاستهای کنفرانس ژاپن ، هر چند میتواند مسکنی برای دردهای علاج ناپذیر سرمایه داری باشد و سقوط آنرا بتعویق اندازد . اما ازحالا میتوان گفت که تضادهای ذاتی سرمایه داری امپریالیستی را حل نخواهد کرد . حتی بازار مصرفی ۹۰۰ میلیونی چین نیز ، که در نتیجه سیاستهای مخرب مائوئیستها در اختیار سرمایه داری امپریالیستی قرار گرفته است و ظاهراً در کنفرانس توکیو بر سر «تقسیم عادلانه» آن توافق شده است ، نیز عاجز برای این سیستم منسوخ نخواهد بود .

بزرگداشت رفیق قدوه ...

اینک کنار تو هزاران قدوه جوان
آگاه و معتقد
با شوری آتشین
با عزم آهنین
مبارزه را دنبال میکنند

مراسم بزرگداشت رفیق محمدرضا قدوه . عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران ، پنجشنبه گذشته در دانشگاه صنعتی برگزار شد .

در این مراسم ، اعضاء ، هواداران و دوستان حزب توده ایران و سایر عناصر ترقیخواه ، با شرکت وسیع خود ، فقدان یکی از گرانقدرترین اعضاء قدیمی حزب توده ایران را گرامی داشتند و در شمارهای پر شور خود ، اعلام کردند که مبارزه این یار وفادار و مبارز حزب ما را ، درستگر حزب توده ایران ، ادامه خواهند داد .

ساعت ۷ بهدائظهر ، با پیش سرود حزب توده ایران ، مراسم آغاز شد . در جایگاه هیئت رئیسه ، رفقا ، منوچهر بهزادی ، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی ، رضا شلتوکی و اسماعیل ذوالقدر اعضاء هیئت سیاسی کمیته مرکزی و بهرام دانش ، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران ، همسر و دختر رفیق فقید محمدرضا قدوه در جامه های سیاه دیده میشوند . بعد از پایان سرود ، رفیق دانش ، از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران ، سخن گفت . رفیق دانش پس از بیان خلاصه ای از زندگی و مبارزه رفیق قدوه گفت :

«رفیق قدوه این خوشبختی را یافت که از مهاجرت به ایران بازگردد ، نخستین مرحله پیروزی انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ما را ، به چشم خود ببیند . و نیز ببیند که حزبش ، حزب توده ایران ، همچون مرغ آتشی از جهنم در زیر سفاک پهلوی گذشته و اینک پسر میکشاید و در راه پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران ، در راه انقلاب ملی ، دموکراتیک و خلقی ایران ، با در صغوف و مقدم جبهه مبارزه خلق قرار گرفته است .»

سخنان رفیق دانش که چندبار با شعارهای :

- توده ای قهرمان ، راهت ادامه دارد
- درود بر کمیته مرکزی حزب ما

قطع شده بود . با این سخنان پایان گرفت .

«ما یکی از بهترین فرزندان حزب توده ایران را در چهره رفیق محمدرضا قدوه از دست داده ایم . ما در اینجا گرد آمده ایم تا خاطره نیر و بخش او را گرامی داریم . این خاطره هرگز در قلوب همزمان اموحون نخواهد شد . نام او در دفتر تاریخ حزب توده ایران جاودانه ثبت خواهد بود . من اجازه میخوام از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت رفیق عزیز قدوه را به خانواده او ، به دوستانش ، به همه توده ایها از صمیم قلب تسلیت عرض کنم .»

پس از پایان سخنان رفیق دانش ، اسامی گروههایی که به مراسم پیام فرستاده بودند ، توسط رفیق بهزادی بشرح زیر برین خوانده شد :

- فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران
- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در اراک
- هواداران حزب توده ایران در سمنان
- هواداران حزب توده ایران در سنندج
- هواداران حزب توده ایران در قصر شیرین
- هواداران حزب توده ایران در کرمانشاه
- هواداران حزب توده ایران در ماسال
- هواداران حزب توده ایران در شهرری
- دانش آموزان هوادار حزب توده ایران
- دبیرخانه مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

ایالتی آذربایجان

- جوانان و دانشجویان دمکرات بندر انزلی
- جوانان و دانشجویان دمکرات کرج
- دانشجویان دمکرات مرکز پزشکی فیروزگر
- آنگاه دختر رفیق فقید قدوه ، در میان احساسات پر شور حاضران ، شری را خواند که چند بند از آن را میآوریم :

آری پدر تونیز
آسوده باش ، آرام گیر
راه تو را همه دنبال میکنند
با عزمی استوار
در راه آرمان بزرگ تو ای رفیق
با دشمنان خلق
پیکار میکنند
این کاروان به منزل مقصود می رسد
پرویز میشودیم .

چواغ سبز آمریکا و مصر

یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین ضمن سخنرانی در مراسم افتتاح سومین کنفرانس اتحادیه معلمان فلسطین اعلام کرد که اگر آمریکا دست به اشغال جاهای نفت خاورمیانه زند ، وی علیه منافع این کشور در جهان عرب اقداماتی بعمل خواهد آورد .

عرفات همچنین موکداً اعلام کرد ، ما اگر دینامیت نداشته باشیم ، کاربرد کبریت نیز برای ایجاد حریق کافی تواند بود . ابوعمار سپس تأکید ورزید که آمریکا و مصر برای قلع و قمع ملت فلسطین در جنوب لبنان فرمان سفید مهر در اختیار اسرائیل قرار داده اند .

نگاهی به نمایشگاه نقاشی فرح نوتاش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران همراه مردم از اوج اختناق تا انقلاب



«جمعه سیاه»

رکس، نیایش شبانه، عمران نمرده است، آغاز و ... نمایانگر مختصات برش زمانی دوم است. یک نمونه از هر دوره را برمیگزینیم!

«کارسیاه»، نمونه‌ای از دوران اول، زندگی خاکستری رفتگرانی رامطرح میکند که در دل شب تیره، در سایه روشن چراغهای مهتابی، شهر را از زباله پاک میکنند و خود در بدترین شرایط بسر می‌برند، چهره‌های خاموش و سنگین رفتگران، که در حالت‌هایی ایستاده تصویر شده، چشمهای بی‌حرف و دوخته شده به سایه‌های رنگهای خاکستری-آبی، آبی-سیاه، با کمی سفید، از طرفی سنگینی شب و از سوی دیگر زندگی آنان را القا میکند.

«جمعه سیاه»، از سری دوم، اوج حماسی یک بیان پلاستیکی است، زن و مردی در پیش یک گریز، با تمامی خشم، کین، نفرت، ناپاوری، ادراک و اراده در برابر مصیبت بارترین حادثه زندگیشان قرار گرفته‌اند؛ کودک مصومشان با مشت‌های کوچکی که هنوز گلهای تازه‌ای را در خود محکم گرفته، شکار «سفاکی دژخیمانی» که با فرمان قتل عام مردم، به «میدان شهدا» فرستاده شده بودند، شده است. دهان به فریاد خشم گشوده زن، این فاجعه را انکار میکند و چشمهای سرشار از نفرتش، در باوری دردناک، عقیق آنرا دریافته است و با این حال هر دو مصممند، مصمم به ادامه راه برای تهیه انبوه مردمی که آماج توپ‌های پرچم آمریکاپوش سربازان گارد جاویدان قرار گرفته‌اند. زن جسد خونین کودک را با دستهای عاصی، به آسمان بلند کرده تا یک بار دیگر سینه جنایت یهلولی را به همه نشان دهد. این کنار سرباز قهرمانی، که از تیراندازی به مردم سرباز زده است، هم‌چنان در خون خود غلت می‌زند. آن روز بسیاری شاهد بودند که با اولین «نه» سرباز، چگونه گلوله سرپرورشش را از هم شکافت و از مغزش گل خونین شکفت. آسمان آندوهار، هم‌پای حس مردم، خشم خود را در آرزوهای دیرپای گنجانده و هم‌الآن است که خروش بی‌تابانه خود را آغاز کند و هم‌صدا با فریاد زن و هم‌اراده با تصمیم مردم، زمین و زمان بیدادگری را درهم بکوبد. این سری از آثار فرح نوتاش به خاطر آهنگ پویا، ترکیب‌های تازه‌ای از رنگ و به کارگیری در نمایه‌ای بکلی تعیین کننده در پرداختن احساس با نگرشی منطقی-که از نوازش کردن عاطفه پهننده بسیار فراتر میرود- کارهایی هستند بکلی متفاوت، که این و آن ضعف و کاستی را سراسر تحت الشعاع قرار می‌دهد.

دوره از کارهای دور و نزدیک فرح نوتاش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به نمایش درآمده است. درنگاهی کلی به این نمایشگاه باید گفت: نه تنها دستمایه هر یک از سری کارهای نوتاش آئینه تمام قد واقیعات در گذر دوران سیاه اختناق محمد رضا شاه است، بلکه شیوه پرداخت او نیز، در پیوندی تنگاتنگ با محتوای اثر، از چند و چون فضای حاکم خبر می‌دهد.

سری کارهای آغازی با خورشید بهترین گواه این ادعاست. درخت‌ها اما، با آب خوردن از زمین چشمه، بارمفهومی دیگر را بردوش دارند و اینکه در این سری کارها، نوتاش با تکیه بر تئوری علمی تاکید می‌ورزد که برای دگرگون ساختن جامعه، شرایطی لازم است که بی‌وجود آنها هر تلاشی محکوم به شکست و هر کوششی عبث خواهد بود. پیش‌تازان غره، با از خود گذشتگی خود، بی‌حمایت توده و بی‌جمع بودن شرایط، کاری از پیش نخواهند برد و در یک کلام، دگرگون ساختن جامعه کاری نیست که از دست من و توی تنها برآید.

کارهای جدید نوتاش را میتوان به دو دسته تقسیم کرد، سری کارهایی که با تجسم بخشیدن به این شالی‌کار و آن رفتگر به مطالعه انسان و رابطه اش با اجتماع می‌پردازد و دیگر آثاری که در دوران به‌ثمر رسیدن انقلاب شکوهمندمان با دستمایه قرار دادن این و آن «حادثه تاریخی»، رد انقلاب را دنبال می‌کند.

شالی‌کاران، کارسیاه، چهره یک رفتگر از جمله آثار دسته اولند. کارهای گروه دوم که اشکال گوناگون مبارزه مردم علیه امپریالیسم و استبداد را بازتاب می‌کند، در دو بخش خلاصه میشود، هنگامی که شرایط انقلابی، فراهم نبود، این و آن مبارز و با آب خوردن از چشمه ایدئولوژی‌های گوناگون، به مبارزه برخاستند و زمانی که موج اعتراض نارضایتی توده گیر شد، تمامی مردم را دربر گرفت، آنها را یک پارچه کرد و زلزله وار بنیان «کاخ» را درهم ریخت.

اعتصاب کارسال ۴۵، تدریس انقلاب سفید، محکومیت ۱۰ ساله، برابری در اعدام، مامورین پدرا بردند، تصویرگر شرایط برش زمانی اول و شب‌های شعر، اتحاد در گرسنگی، آزادی زندانیان سیاسی، جمعه سیاه، ۱۷ شهریور، آفیش سینما

زنگار!

چشمان گشود باید و شد. بیدار، دستان گشاد باید و شد حاضر، کاین خصم زخم خورده بسی وحشی‌ست! زنجیرها برتن او باید کوبنده‌تر ز پیش فرود آورد! باید گمان نبرد که این خونخوار بر یورش شبانه ندارد قصد! با این خیال خام که او مرده‌ست. یا از تلاش و توش و توان رفته‌ست. زنگار! ای رفیق شب بیداد! در این سحر دوباره نباید باز ره بر فصول تیره دهشت داد!

م. شباهنگی
۱۰ تیرماه ۵۸

نامه تسلیت کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت درگذشت رفیق محمد رضا قدوه

رفقای عزیز! با اندوه بسیار از خیر درگذشت رفیق محمد رضا قدوه، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، اطلاع یافتیم.

نام رفیق محمد رضا قدوه، بعنوان یک کمونیست قدیمی ایرانی و یک مبارز راه صلح برای کمونیستها و ترقیخواهان عراق آشناست. بویژه مبارزان راه صلح هرگز فعالیت‌های خستگی ناپذیری را برای پیروزی این امر مقدس فراموش نمیکنند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق از جانب همه کمونیستها و ترقیخواهان عراق خود را در این اندوه بزرگ با حزب توده ایران شریک میدانند و تریدیدند که حزب برادر توده ایران با تشدید مبارزه خود در راه حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، جای‌خالی رفیق ارجمند محمد رضا قدوه را پر خواهد کرد.

با درودهای برادرانه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
۸ ژوئیه ۱۹۷۹

۳ هزار راننده تاکسی، هیئت مدیره شرکت تعاونی خود را انتخاب کردند

پیش از سه هزار راننده تاکسی عضو شرکت تعاونی تاکسی-رانان، برای انتخاب هیئت مدیره تعاونی خود اجتماع کردند. این اجتماع روز جمعه ۲۲ تیر در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی تشکیل شد.

در ابتدای جلسه، مشیری، مدیر عامل پیشین، گزارش فعالیتهای هیئت مدیره راقرائت کرد و در پایان رانندگان آراء خود را به صندوق ریختند. ۱۷ نفر برای عضویت در هیات مدیره، هیات بازرسی و اعضای علی‌البدل از سوی انجمن اسلامی رانندگان و هیات مؤسس شرکت تعاونی نامزد شده بودند.

گروهی از شرکت کنندگان در اجتماع رانندگان تاکسی، خواستار عضویت «آخوندی»، نماینده امام، که در هیات مدیره قبلی شرکت تعاونی تاکسیرانی عضویت داشته بودند. آنها در گفتگویی به خبرنگار «مردم» گفتند که میخواهند آخوندی، مدیر عامل اسبق، که توسط امام منصوب شده بود، از جانب هیئت مدیره جدید، در پست قبلی خود ابقا شود. آنها

هجوم مجدد عناصر مشکوک به دفتر حزب در رشت

ساعت ۵ صبح ۲۳ تیر ماه بازم عده‌ای از عناصر مشکوک به دفتر حزب در رشت حمله کردند و شیشه‌های عمارت را شکستند و فرار کردند.

روز قبل نیز، هنگامی که آقای به‌آذین، دبیر کل اتحاد دمکراتیک مردم ایران قصد سخنرانی در دانشگاه گیلان را داشت عده‌ای از عناصر مشکوک به سالن سخنرانی هجوم بردند، شیشه‌ها را شکستند و پوسترها، روزنامه‌ها و کتابها را پاره کردند و بدین ترتیب مانع انجام سخنرانی شدند.

تصحیح يك اشتباه

بدرخواست دوستان، قبلا سرود حزب توده ایران را چاپ کردیم. متأسفانه اشتباهی در سطر بیست سرود روی داده است. با پوزش، خواستار تصحیح آن هستیم. بجای «صاحب خاک پاک میهن»، باید خواننده شود «صاحب اصلی خاک میهن».

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸۸

به بازماندگان

مقتولین حادثه

خونین گره‌سار

صمیمانه تسلیت

میگوئیم

در حادثه مرگبار قطار تهران - مشهد، که روز پنجشنبه بین ایستگاه‌های کویر و ابژور روی داد. و علت آن هنوز دقیقاً روشن نیست. تعداد زیادی کشته و زخمی شده‌اند. ما به بازماندگان مقتولین صمیمانه تسلیت میگوئیم.